

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره
تشدید تشنج و وخامت اوضاع در
منطقه خلیج فارس
در صفحه ۳

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره اعدام گروهی دیگر از زندانیان سیاسی

کشته شدگان را منتشر نکرد و نمی کند.
رژیم خمینی از رژیم اعتراضات فزاینده مردم ایران و نیروها و محافل ترقیخواه جهان می گوشت. سیاست پیگردوبیادداشت وسیع انقلابیون را درخفا پیش بردوشکنجه و اعدام مبارزین در بندراکتیمان نماید. پس از یورش تابستان ۶۵ رژیم علیه سازمان ماکه به بازداشت بیش از ۱۰۰۰ تن از اعضا و هواداران سازمان منجر شد، در نیمه دوم سال ۶۵ آغاز سال ۶۶ نیز چند یورش مخفیانه دیگر علیه نیروهای سازمان ما در باختران، گیلان و مازندران صورت گرفته است. و در هر کدام دهها نفر از اعضا و هواداران سازمان ربوده شده و تحت شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چند تن از رفقای ما زیر شکنجه های وحشیانه رژیم به شهادت رسیدند. "سرکوب در تاریکی" سیاست رژیم در برابر سازمان ما است. شرایط فشار بر زندانیان سیاسی و اعدامهای دسته جمعی آنان، بویژه پس از اعتصابات قهرمانانه اوین، گهر دشت و قزل حصار شدت یافته است. این بقیه در صفحه ۳

برابر اخباری که علیرغم اختناق سیاه از آن سوی دیوار شکنجه ها کهایی خمینی رسیده است، درآستانه نوروز ۶۸ تن از زندانیان سیاسی ایران توسط دژخیمان جمهوری اسلامی تیرباران شدند اخبار رسیده حاکی از آن است که عده ای از اعدام شدگان از مسئولین و اعضای سازمان ما بوده اند. که چند تن از آنان از مدت ها پیش در اسارتگاه رژیم زیر شکنجه قرار داشتند.
در تابستان خیر از سوی مقامات رژیم، چندین پیش مقتدایی سختگوی شورای عالی قضایی اعتراف کرده طی دو هفته، تعدادی از اعضای سازمانهای سیاسی ایران، در تهران و چند شهر دیگر اعدام شده و عده ای نیز به حبس های طویل المدت محکوم شده اند. اخیرا سازمان ما همدین نیز خبر داده است که در اسارتگاه رژیم ۷ تن از مجاهدین بازداشت شده را نیز به قتل رسانده است. فعلا نیز رژیم رسماً اعلام ۱۶۵ زندانی سیاسی در سال ۶۵ را اعلام کرده بود. این در حالی است که رژیم چهل و جنابت هیچگاه اطلاع دقیقی از تعداد واقعی

انحلال حزب "امام" نقطه عطفی در اوج گیری بحران رژیم

ما گذشته خمینی، حزب جمهوری اسلامی را به در خواست روسای آن منحل کرد. حزب "امام" که به ملاحید خوددوی بوجداده بود، به ناچار به تابتیید خود از مخته سیاسی کشور را انداخت.
حزب جمهوری اسلامی در طول فعالیت ۸ ساله اش علیرغم وجود جریانات مختلف در درون آن، کین توارنه علیه طبقات کارگر و جنبش کمونیستی و دمکراتیک کشور تلاش کرد. این حزب موثرترین شکل سیاسی حکومتی در استقرار ولایت فقیه بود.
این حزب شیخ ساخته که قرار بود مظهر اراده واحد صاحب خمینی باشد، هیچگاه یکدست نبود و تمایلات متفاوت طبقاتی شیوخ حاکم و تناقضات آنان را همواره در درون خود می پروراند و تنگنا مل می داد. مدت ها بود که این حزب، فاقد اراده واحد و سیاست یک حزب سیاسی بود و عملاً به دو حزب تقسیم شده بود. در این باره رفسنجانی در شهریور ۶۷ گفت که: "در داخل حزب... دو نوع تفکر مشخص تر از بقیه به چشم می خورد و این دو طرز تفکر، رقابت های با همسم دارند... این ساله خیلی اساسی است که ما بعنوان یک مشکل با آن مواجه هستیم" و او توضیح تاخیر وجود افکار متفاوت بر یکپارچگی حزب، در همانجا گفت که: "در کشورهای دیگر معمولاً اینها دو حزب می شوند". مشکل ما این است و این ساله باید حل بشود. یک جای که آیا واقعاً می شود یک حزب داشته باشیم و این دو طرز تفکر هم دور هم دیگر بنشینند، با هم رفیق باشند و بدون برخورد، بدون این مشکلاتی که شما دارید می بینید، بتوانند حزب را اداره کنند. این را من نمی دانم جایی تجربه شده باشد، در دنیا من حزب این چوری اطلاع ندارم."
آن مشکل اساسی تا زمانی که حزب جمهوری اسلامی منحل شد، باقی ماند، به همین دلیل در ماه گذشته نیز (۱۴ خرداد) رفسنجانی پس از انحلال حزب یکبار دیگر تا کید کرد که "اختلافات درون حزب" از نوعی است که در حقیقت عمدتاً دوجریان هستند.

مسایلی که رفسنجانی در ۲۷ شهریور ماه ۶۷، درباره وضع حزب گفت، اعتراف آشکار به ورشکستگی سیاسی آن بود، از مجموعه اظهارات وی چنین برداشت می شد که: اختلافات مانع انتشار مواضع اقتصادی و اعتقادی "حزب بود، شورای مرکزی حزب نمی توانست کار کند، فراکسیون حزب در مجلس تا بم تصمیمات رهبری آن نبود، شورای اداری فلج شده بود، اعضای حزب تشخیص و نظرفردی خود را مبنای اجرای دستورالتهای رهبری قرار می دادند و غیره.
در باره نتایج مبارزه دوجریان یکی از نمایندگان بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- ★ وزارت کار یا وزارت سرمایه؟ در صفحه ۸
- ★ ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب در صفحه ۲
- ★ جنگ زمری با آمریکا و ادامه معاملات پشت پرده در صفحه ۹
- ★ پیشنهادات پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح در صفحه ۹

همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی

● نمایندگان حزب کمونیست فرانسه و چند سازمان سیاسی دیگر: "ما ضمن محکوم کردن دستگیری و شکنجه قریب هزار تن از فدائیان خلق، خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران هستیم."

آزاده و میهن دوست خارج از کشور نیز شرکت جستند. عکس العمل جهانیان در مقابل تبعیض های رژیم، ستودنی است. جدا از حزب، سازمان، شخصیت اجتماعی، روزنامه و رسانه گروهی که در مجموع نمایندگی دهها میلیون تن از مردم جهان را بر عهده دارند رژیم متشدد و بقیه در صفحه ۷

● هیاتهای نمایندگان ۱۸ کشور در کنگره "جبهه دوطرفه":
"مانگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در ایران از جمله فدائیان و ونوده ایها و دیگر نیروهای دموکراتیک و مبارز می باشیم."

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی سازمان جبهه ستادوم مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی از آغاز سال جاری، اعضا و هواداران سازمان در بسیاری از کشورهای جهان با برگزاری اعتصاب غذا، تجمعات، تظاهرات، راهپیمایی و... افکار عمومی جهانی را به حمایت از زندانیان سیاسی ایران فراخواندند. در اغلب این اقدامات، ایران نمایان

اخراج ۷۵۰ هزار کارگر، ره آورد رژیم خمینی

سیل اخراج کارگران در جمهوری اسلامی، در اثر ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی، تشنگسان دامنهای بخورگرفته در تاریخ معاصر ایران بیابنه است. در سیمای رثورهای اسلامی کار، حسین کمالی نماینده مجلس و مسئول کمیسیون کار و امور اداری و استخدا می اعلام کرد که "تعداد کارگران که تا پایان سال ۶۵ اخراج شده اند به ۷۵۰ هزار نفر می رسد". علیرضا محبوب، مشاور نخست وزیر در امور کارگری، نیز تا کید کرد که "تعداد اخراجی های سال ۶۶ به مراتب بیش از سال ۶۵ خواهد بود". باید افزود که تا وقتی که در برهمنی با شنه می خرد، چشم اندازی جز گسترش تصاعدی اخراج ها و تشدید بحران بیکاری متصور نیست.

هم اکنون بنا به اعتراف غلامحسین نادی، نماینده مجلس و عضو کمیسیون برنامه و بودجه، شمار تسوده بیکاران کشور از ۳/۸ میلیون نفر تجاوز کرده و ۲۹٪ جمعیت فعال کشور بیکارند.

این توده وسیع، هر روز آشوبه تر و گسترده تر می شود از یک طرف با اخراج های توده ای کارگران (بنا به محاسبه طرح اخراج ۱۵۰ هزار کارگر در رابطه با برنامه تسهیل ساختار صنعتی کشور بنا به اعتراف سرحدی زاده بقیه در صفحه ۳

در باره نقشه کار سازمانگرا نه در میان کارگران

در صفحه ۵

همافر فدایی، رفیق ابراهیم پورنیا شهید شد

روزی نیست که در زندانهای رژیم، جناایت تازه ای رخ ندهد و تعدادی دیگر از آزادیخواهان آگاه و مبارزین خلق، شکنجه و کشتار نشوند تا مگر رژیم سرمایه داری فقیه چند صباحی بیشتر دوام آورد. موج دستگیری مبارزین ادامه دارد، شورای اسیران اعدام شده اند و شکنجه گران اهریمنانه در کار رند تا مگر مقاومت انقلابیون اسیر را درهم شکنند. بسیاری از زندانیان سیاسی در معرض اعدام قرار گرفته اند. فدایی خلق همافر یکم ابراهیم پورنیا عضو سازمان و از فعالین پرسنل انقلابی رشت در آذربایجان پس از تحمل شکنجه های وحشیانه، سرفراز مقاومت جانانه در حفظ اسرار سازمانی و وفاداری تا به آخر بقیه در صفحه ۴

یاد قهرمانان ۸ تیر گرامی باد

۸ تیر با زدهمین سالگرد شهادت قهرمانانسی است که قلبیان از میراثشین به طبقه کارگر و توده زحمتکش و نرفتنی سوزان به دشمن طبقاتی آنسایان آکنده بود. ۸ تیر با لروزیخون غلغیدن فدائیانسی است که تمام هستی خویش را فدای سعادت خلق کردند. ۸ تیر با لروزیخون رفقا حمید اشرافه یوسف قانع خشکیاری، محمد رفیق شیرخانی، محمد حسین حقنوی علی اکبر و زری، طاهر خرم، غلامرضا لایق مهرپانی، فاطمه حسینی، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراطپور و عسکرحسینی ابرده است. بقیه در صفحه ۸

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

احلال حزب ... بقیه اصفحه اول
مجلس چنین گفته است: "با کشتن بهشتی مسئولان درجه یکی از قبیل آقای هاشمی و آقای خامنه ای با مسئولیت های ظنی و متعدي که داشتند آنگونه اشراقی که اول بود، بنیودولدا گزیدند حزب جمهوری اسلامی ایران بدست افرادی در تهران و شهرستان ها افتاد که عوض مطرح کردن اهداف انقلابی می خواستند خودشان را مطرح کنند و عده ای هم دوجو فرصت طلب از این رخت استفاده کرده اند و به مجلس آمدند و در ارگان های دیگر قرار گرفتند و از آنجا کار کشی ها شروع شد. و باز ملاحظه می کنیم افرادی آمده اند و وارد حزب جمهوری شده اند، از قبیل انجمن جنبه، اوگفت: کسانی که در فکر احیای حزب جمهوری اسلامی هستند از این راه، بنظر من اینها آهن سرمی گویند، آب در دهان می گویند. باید با وحدت و انسجام در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران و قیادت امام امت پیش برویم" (ارسلت ۲ اردیبهشت ۶۶)

این اظهارات را با اعتراف آشکار به قدرت گیری شدید جریان راسالی و همدستان آن در رهبری حزب جمهوری اسلامی بود. این اواخر عده ای نیز به فکر "احیای" حزب افتاده بودند که معنای آن چیزی جز بیرون کشیدن رهبری حزب از زیر نفوذ جریان رقیب نبود، نفوذ جناح راسالی در رهبری حزب تا بدان پایه رسیده بود که نماینده مجلس ارتجاع فکرا حبیسی حزب را آب در دهان می دانست. درگیری دو جناح عامل تعیین کننده فلج شدن حزب و ناشی از وجود دو جناح عمده در هیأت حاکمه بود. رفسنجانی در همان زمان گفت: "در میان مسلمانان حسرتی که هر دو آنها پیرو خط امام هستند، دو طرف تفکر در سبیل اقتصاد و اجتماع عی وجود دارد. این مسأله منحصر به قشر خاصی هم نیست و در میان علمای است، در طلبه ها هست، در مدرسین هست در نمایندگان مجلس است، در شورای نگهبان هست، در بارزاییها هست ... وی سال گذشته نیز همین مطلب را تکرار کرد (اقتصاد اسلامی شماره ۲۲، ۶۵). حالاً هم تفکر دو جریان در همدارگانهای رژیم امتداد دارد. از این دو در علت یا بی انحلال حزب و در نشان دادن اینکه راه حل خمینی برای آن "مسأله خلی ای" است، سترون است، امروز مورد توجه بر نقاط وحدت و تفا دو جریان عمده حکومت لازم است. هر دو جناح در سیاست خارجی طرفدار نزدیک یکدیگرند، امیرایا هر دو جنبه ای و ثوروی ستیزی هستند و سیاست داخلی از استبداد مذهبی، کمونیسم ستیزی، عدالت ستیزی، و جنگ طلبی حمایت می کنند، هر دو جناح مدافع نظام سرمایه داری هستند و در زمینه با خلق متحد یکدیگرند. اما این دو جریان در عین وحدت دارای اختلافات جدی هستند که آن دور از یکدیگر جدا می کند.

این اختلافات در کدام عرصه ها خاص می شوند: نقش دولت در اقتصاد کشور و سیاست گذاری اقتصاد از امور مهم اختلاف است. در این زمینه آذری قمی تئورسین یک جناح نظریات جناح مربوط را با روشنی تمام منعکس می کند. او در تالیف دیالیکه ارتجاعی "تعیین شیوه و حدود فعالیت تولیدی بخش خصوصی" گفت که: "اگر شروت محدود به حدودی که همسایر یا بین باشد، هرگز انگیزه ای برای تلاش زیاد باقی نمی ماند و اگر آزادی در قیمت فروش نباشد، بلکه به تسخیر تثبیت شده، هر چه با سود معقول (باشد)، انگیزه ای برای تولید ایجاد نمی شود ... اگر میزان فعالیت محدود باشد، انگیزه ای برای صنایع بزرگ و کارهای عام المنفعه و سرمایه گذاری بیشتر وجود نخواهد آمد ... با آزاد کردن مردم در امر تولید و فروش کالا علاوه بر اینکه انگیزه فعالیت و ابتکار آنها تشویق می گردد، به راه از دوش دولت برداشته و به مردم واگذار می شود ... شعارهای مردمی همسان شعارهای سوسیالیستی است ... (کیهان ۲۶ بهمن ۱۳۶۴).

آزادی کامل تولید و فروش، صادرات و واردات، لغو هرگونه قیمت گذاری توسط دولت، تسلط همه صنایع و معادن سودآور، تسلط کامل بر تجارت داخلی، انحلال صنایع و بازار داخلی، لغو هر نوع محدودیت بر فعالیت بخش خصوصی و برانداختن سرمایه و مالکیت، فشرده نظارت آذری قمی و روش خواسته های اقتصاد این جناح است. جریان دیگری با آزادی بخش بر دولت در اقتصاد کشور را ترمیمی ند، در عین حال که از فعالیت بخش خصوصی نیز دفاع می کند.

اختلاف بر سر نقش دولت به عرصه اقتصاد محدود نمی شود. راسالی ها، دولتی می خواهند که همه مواضع آن را مطمئن ترین عناصر این جناح اشغال کرده باشند. آنها همواره تلاش کرده اند که بدست نفوذ و زیر، وزارت خانه ها و مواضع کلیدی را بدست بگیرند. مطمئن جناح خود بسپرند، هر دو طرف می گویند که این بسترها را در اختیار خود بگیرند.

تأمین منافع شخصی و دست به سبیل های که حول منافع گروهی شکل گرفته، کوشش برای گرفتن بهار نهادهای، تشکلهای اجتماعی، مذهبی و دولتی، تقسیم پست ها و مقامات، گرفتن مهار

سازمانهای روحانیت و پست جانشینی و غیره، جنگ قدرتی را بوجود آورده است که پای همه مراجع را نیز به میان کشیده است.

این دو جریان در تفسیر اسلام برای دستیابی به مقاصد بر دمی خود نیز اختلاف جدی دارند. جریان راسالی از "اسلافقاهی" دفاع و بر آن پایه به "اسلام اجتماعی" مخالفان حمله می کنند. راستی کا شانی پس از حمله به طرفداران فقه اجتماعی که آن را "پروشتگر" می نامد، می نویسد که آنها می خواهند "با آزادی های متعدد دین کنند که علت این که خون نجس است، چیست؟ و یا چرا آب کر پاک نشده است؟ و مثلاً لای از این قبیل که همگی فلسفه و جرای احکام را تعقیب می شود و یا بسدی بسیاری از آداب و لوحن نیز با راسالی می آمد که در حوزه های علمیه هم فقهی باید از آیهات فراوان و با مشاهدات میکروسکوپی خود در این موارد حکم دهند که خون نجس و آب کر پاک کننده است." او به مخالفان خود حمله می کند که اگر می گویند "چون اتموسفیل پیکان نشترا بین زمانه است" و چون در باره شتر نیز به نازل شده است، پس "حاجان آن (پیکان) باید زکات بدهند." (ارسلت ۲۹ فوروردین ۶۶). در واقع این بحث حوزه ای که "پیکان" شتر است یا پیکان ... بحثی است بین دو طرف درباره گرفتن مالیات از سرمایه داران که امثال "راستی" با آن سخاست مخالف هستند.

همه این اختلافات دو جریان را به مبارزه سیاسی برای تسخیر همه مواضع قدرت سیاسی کشیده است. این مبارزه قدرت مدتهاست ادامه دارد و هر روز نیز شدیدتر می شود.

در حال حاضر، همه شواهد نشان می دهد که سر و نت مجلس سوم و اینکه سوسیله کدام جناح قبضه شود از موضوعات جدید اختلاف دو جریان است. مبارزه انتخاباتی غیر رسمی از هم اکنون آغاز شده است. در این رابطه یک نماینده مجلس، پس از اثاره به وجود دو جریان مختلف و ضرورت وحدت آنان گفته است که "معنای این وحدت این نیست که شما بروید در شهرستانها از لائیلیات انتخاباتی شروع بکنید و بعد هم اگر کسی بخواهد مخالف شما صحبت کند، بگوید یا پس خلاف وحدت شده است." (ارسلت ۲ اردیبهشت ۶۶).

این نماینده همانجا اشاره می کند که جرایبسی می خواهد تعدادی از نمایندگان فکرا یا بعنسان "هوچی" از مجلس بیرون کند. این نماینده به راسالی ها اشاره دارد که می خواهند ترکیبی را مجلس سوم روانه کنند که با شورای نگهبان انطباق کامل داشته باشد. قبلاً نماینده دیگری به سه جریان دیگر حمله کرده بود که می خواهد "دانشگاه اسلامی" و را دیو و تلو یزبون را به "ارگان تبلیغاتی یک با ندیسی تبدیل نموده و برای اشغال اکثریت کرسی های مجلس سوم، چهره سازی کند" (کیهان ۱۳ اسفند ۶۵). همچنین نمایندگان خرم آباد و با نکتست به سو و یروپویش آموزش و پرورش حمله کرده و از ارت خانه ها را به "تستاد انتخاباتی کاندیداها" تبدیل نکنند. (روزنامه ها ۲۱ اردیبهشت) این شواهد همه نشان می دهند که دو طرف برای در دست گرفتن کنترل مجلس آینه شده، دست بکار شده اند.

تحت تأثیر عوامل فوق مدتی است که مبارزه و افشاکری دو جریان علیه یکدیگر در سطح جامعه دوباره تشدید شده است. مثلاً در جریان سرکوب مهدی هاشمی و دستگیری احمدکاتانی، هر طرف کوشید که یکسری از آن دورا برجسته کند و دیگری را در سایه قرار دهد. جریان راسال در حالی که جریان احمدکاتانیسی را کاملاً هیت جلوه می داد، مخالفان خود را متهم می کرد که به جریان خطرناک هاشمی بیای لازم نمی دهند و سرکوب کامل آنرا می طلبید. بهی دیگر، متمرکز شدن دوباره اختلافات روی رابطه مجلس و شورای نگهبان است. چرا که وضع بگونه ای شده است که کار مجلس ارتجاع در قانون گذاری و در حل اختلاف با شورای نگهبان به بن بست رسیده است. ماه گذشته رفسنجانی که به همراه نمایندگان بهمن است با این هفته مجلس پیش خمینی رفت و بعد، اعتراف کرد که مجلس در وضع قوانین مهم منجمد در زمینه زمین و شتاونی عاجز مانده است و به همین دلیل از او خواست که در حل مشکل مجلس شورای نگهبان مداخله کند. ولی خمینی تنها حاضر شده که برای آن حاضر باشد. اما در این جریان منتظری از شورای نگهبان حمایت کرد و گفت که اعتماد به این شورا از مسایل اساسی رژیم و تضعیف آن به ضرر انقلاب و اسلام است. از شورای نگهبان به خاطر پایستادگی ش تنگ کرد و تنها به شورای این ایراد گرفته که به قدر کافی در هیأت حاکمه کار نمی کنند که از مصوبهات آن دچار تعجب شوند. موضع گیری منتظری نشان داد، این که رفسنجانی تا یکدیگر که "اگر خمینی بطور قاطع به حل مشکلات قانون گذاری میبادرت نکند ما هرگز اطمینان به یافتن شخص دیگری که بتواند عده را رچنین وظیفه ای شود، در آینه نخواهیم داشت" تصادفی نبوده است.

آنچه در این میان اهمیت دارد، مصاحبه رفسنجانی در فدرادی ملاقات با خمینی است. او گفت که: "اگر قرار باشد قوانین موهبه مجلس متعاقباً از طرف شورای نگهبان رد شود، در این صورت تصویب

قوانین از طرف مجلس عملی بی خیر خواهد بود." او در همین مصاحبه از فقا ت که از کمیودقوانین شکا پست داشتند و حجه که به خمینی مراجعه کنند، رفسنجانی در این مصاحبه گفت که قانون اساسی جمهوری اسلامی با عجله تنظیم شده و شامل بخش های بی است که نیاز به تغییر دارد. پیش کشیدن تغییر در قانون اساسی از جریان دعوی مجلس و شورای نگهبان بوسیله رفسنجانی و اعلام آن در سطح جامعه باید مورد توجه قرار گیرد.

در مبارزه با راسال، خمینی نیز نمی توانست مثل سابق نقش بازی کند. گرچه خمینی هنوز نقش اصلی را در حکومت دارد و در فرورگشت دادن موقتش تضادها موثر است و هنوز هر دو جریان از تهدیدها و روبرویی مستقیم با او می هراسند، اما او در وضعی نیست که هر چه می خواهد پیش ببرد. مثلاً وقتی که انتصاب دوباره موسوی به نخست وزیر مطرح شد، خمینی به همه نمایندگان دستور داد که او را برگزینند. علیرغم حکم صریح او، ۱۰۰ نماینده مجلس به وی رای دادند. با علیرغم دعوت های او به وحدت و تهدیدهای او علیه کسانی که "وحدت کلمه" را رعایت نمی کنند، این اواخر باز اثران علیه هادان مالیات به دولت، باز هم اعلامیه داد (کیهان ۱۳ اسفند ۶۵). ماه ۶۵، در زمینه مورتا کبید، سخنان آذری قمی بسیار گویاست. او در خرداد ماه ۶۵ بدون آنکه از خمینی نا می ببرد، در جواب او با تکیه بر گفتار "علی گفت که" تومی توانی نظر خود را به من بدهی ولی من هم می توانم از تو پذیرا بشوم و آن را بکار ببرم و اگر حجتی داشت من با تو مخالفت نمی یاف" (ارسلت ۸ خرداد ۶۵). این جنبه از موقعیت خمینی در جریان هاشمی و در برخورد با منتظری نیز خود را نشان داد. وقتی خمینی تصمیم گرفت که از راسال هاشمی، با منتظری را به میان بکشند و او را بعنوان کسی که تحت تأثیر اطرافیان قرار می گیرد و قافله رای مستقل است، معرفی کند، معلوم بود که هدف او از این کار چیست. اما چندان که گذشت که در فروردین ماه و برای اولین بار، منتظری بعنوان قاضی مقام رهبری در اولین تبلیغاتی جمهوری اسلامی عرضه شد.

خمینی علاوه بر مخالفت راسالی ها، با مقام بخش دیگری از زیردستان دربار به جمهوری اسلامی نیز روبرو شده است. جریان مهدی هاشمی نمونه خاص آن است. این جریان که به گذشته های شری "تحت نام مقدس حزب اله" جزئی وجود داشته بود و در شاخه های از این حزب در چندین شهر کشور مشغول فعالیت بودند (ارسلت ۲۲ آذر ۶۵)، گسترش باز فاشی و اعتراض در صفوف حزب الهی" و جدایی آنان از رهبران رژیم را نشان می دهد. خمینی علیه آنان به سرکوب متوسل شده و مدعی طلبه، پاسدار و بسیجی و غیره را روانه زندان کرد. این روند در حزب امام نیز با زتاب می یافت و در تشرک انجمن های اسلامی به سوسیله حزب، سازمان ها یافته بودند، گسترش اعتراض در صفوف یا پسین حزب، ترک صفوف بوسیله پاسداران، انجمن ها و دانشجویان در سالی های اخیر خود را نشان می داد. این جنبه از تحولات درونی حزب جمهوری اسلامی، که در خدمت انفرادیست و در میان خلق قرار می گرفت، در تکرار این درون حزب را بنیاد من می زد و متقابلاً عامل گسترش اختلاف در راس هرم قدرت می شد.

گسترش اختلافات زمانی اوج می گیرد که پایه های رژیم در درون جامعه لرزان تر از همیشه است و رژیم همگرا تا این اندازه در میان توده ها مقبول نبوده است حدیبا اعتراضات شریب تر شخواه، در سرگیتی روبرو نبوده است. خمینی هراس دارد که بحران و ضعیف جامعه، سرچشمه حوادث غیرقربا بل پیش بینی کرد. خمینی در خطابه ۲۵ اسفند خود گفت که "همه با ما مخالفند، همه می خواهند همه را از زمین ببرند" خمینی جانی بتکار ر حق داشت که موقعیت حکومت را چنین ارزیابی کند. چرا که اکثریت مردم کشور با ادامه جنگ مخالف هستند، اکنون دامنه این مخالفت به درون محافل جمهوری اسلامی نیز کشیده شده است. اکنون نیرویی در جمهوری اسلامی شکل می گیرد که خواهان ملح است و در این اواخر خمینی بارها علیه آن صحبت کرده است. علاوه بر آن اعمال سرکوب و کشتار علیه مردم و فقر روزافزون توده ها وضعی را پدید آورده که مبارزه محمکتان و روز بروز علیه رژیم گسترش می یابد و اعتماد توده ها به آن دایم کاهش می یابد. نمونه روبریکارد توده ها از رژیم فقهی، انتخابت میان دوره ای مجلس در مرداد ۶۵ است. برای دو "نمایند" در تهر ان که نمایندگان آن در مجلس اول بیش از ۲۳ میلیون رای آورده بودند، با همه تقلبات حد اکثره ۳۰ هزار و ۲۶۰ هزار رای جمع و جور کردند. در زمینه انفکک جمهوری اسلامی در میان توده ها عترافات حجتی کرمانی در اطلاعات ۲۶ فوروردین ۶۶ بسیار گویاست. او در مقابل "چرا می نویسم" ۱۹ وقاع حکومت را در مجموع چنین ارزیابی می کند: "هزار که مایه و به قوا همک نظام، اعتماد عمومی است. این امر صریح بگویم: بقیه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره

تشدید تشنج و وخامت اوضاع در منطقه خلیج فارس

برای قطع فوری جنگ، برای خروج قوای آمریکایی از منطقه

فلسطین است. این سیاست با سیاست و منافس آمریکاییسم آمریکا انطباق دارد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با نفرت و انزجار این سیاست را محکوم می کند.

قطع فوری جنگ و خروج بیدرنگ نیروهای نظامی آمریکایی از منطقه خلیج فارس خواست مبرم مردم ایران است. ماحضرات و کان نظامی آمریکا - لیست در خلیج فارس و کمک نظامی به جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ را شدیداً محکوم می کنیم. رژیم خمینی باید برای تسلیم شدن به خواست عادلانه مردم یعنی قطع فوری جنگ هر چه بیشتر تحت فشار قرار گیرد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه دولت‌ها و مجامع بین المللی و نیروهای صلح دوست جهان طلب می کند که به خواست مردم ایران، رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی را برای قطع فوری جنگ و دولت آمریکا را برای ساختن نیروهای تها و زورگروا از منطقه بهر شکل ممکن تحت فشار قرار دهند و خواهی از اعراض خود را علیه کاربرد سلاح شیمیایی و علیه بمباران شهرها و کشتن مردم بی گناه ایران و عراق را سرانجام ندهند و با همه امکانات از مبارزه مردم ایران در راه صلح حمایت نمایند.

کنفرانس بین المللی برای حل مسأله فلسطین و پس از موفقیت اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین نیروهای جنگ طلب آمریکا لیستی و میوه‌های تمام توان خود را بکار گرفته اند که از طریق ادامه جنگ ایران و عراق، ابتکارات مسئولانه اتحاد شوروی و نیروهای ترقیخواه عرب برای تأمین صلح عادلانه در منطقه و در خلیج فارس را مختل و خنثی سازند.

سیاست جنگ افروزان آمریکاییسم آمریکایی و صهیونیسم در منطقه خلیج فارس با مقاومت بیشتری روبرو شده است. رژیم جمهوری اسلامی ایران در ادامه جنگ تنها بر حمایت اقلیتی کوچک متکی است. اکثریت قاطع مردم ایران با ادامه این جنگ شوم مخالفت می کند. ادامه جنگ هر چه از سر دم هزاران قربانی می گیرد، اقتصاد را ورطه ویرانی کرده، بیش از نیمی از بودجه و بخش عمده ای از نیروی کار کشور را به تباهی کشیده است. رژیم برای درهم شکستن مقاومت مردم که صلح می خواهند، همه نیروهای دموکراتیک و صلح دوست کشور را سرکوب می کند. زندان، شکنجه و جرحه های اعدام مهمترین وسایل رژیم برای مقابله با مبارزه مردم علیه جنگ و استبداد است.

رژیم جنگ طلب خمینی با لاجت در ادامه جنگ سرنوشت خود را سرنوشت جنگ گره می زند، بسیاری ادامه جنگ و دستیابی به هدف های مورد خود را به جلب توجه و حمایت دولتی آمریکا لیستی بویژه آمریکا نیاز دارد. رژیم علیه همه هیاهو های کذب که با می کند، همچنان راه نژادپرستی و همدستی با محافل آمریکایی را طی می کند. سیاست رژیم علیه برقراری صلح بین ایران و عراق، علیه برقراری صلح در افغانستان و علیه کنفرانس بین المللی صلح خاور میانه برای حل مسأله

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نگرانی عمیق خود نسبت به تشدید اوضاع و تشدید خلیج فارس و تشدید خلیج فارس جنگ در این منطقه را اعلام داشته، تأکید می کند که آمریکاییسم آمریکا نقشه خود برای بهره برداری از آتش جنگ خاور میانه را برای غرض جهت تقویت مواضع خود در منطقه خلیج فارس را همچنان پیش می برد.

رژیم ارتجاعی و جنگ طلب حاکم بر کشور مرا هرگونه راه حل صلح آمیز و مذاکرات سیاسی را رد می کند و بگونه ای جنون آمیز بر ادامه جنگ اصرار می ورزد. این سیاست در خدمت هدف سیاسی مداخله گرانه و توسعه طلبانه رژیم خمینی و بسود آمریکا لیست و در رأس همه آمریکاییسم آمریکا است. آمریکا لیست آمریکا تنها زمینه ساز و مشوق وقوع جنگ میان دو کشور همسایه ایران و عراق بوده، بلکه تا امروز سیاست آن همچنان ادامه جنگ است. افتخار مدورینا نی اسلحه های ایران و گسیل انبوه کشتی های آمریکایی به خلیج فارس همه و همه نشانه آن است که دولت ریگان خواهان ادامه جنگ است و از آن بسود تحکیم مواضع خود در منطقه و تسلیم بیشتر رژیم ایران به خواسته خود بهره برداری می کند.

امریکاییسم آمریکا می کشد و دول انگلیس، فرانسه، آلمان، ژاپن و دیگر متحدین خود را در گسیل ناوگان نظامی به خلیج فارس با خود همراه سازد. دولت ریگان می خواهد متحدین خود را به تشکیل یک سبک با تها و زورکوب بین المللی در خلیج فارس راضی کند.

صهیونیسم اسرائیل نیز از ادامه جنگ و تشدید تشنج در منطقه حداکثر بهره برداری را کرده و می کند، اکنون پس از مساعی در جهت نسبی شرایط برای تشکیل

اطلاعه... بقیه از صفحه اول

اعتمادات به پایمال شدن ابتدای ترین حقوقی انسانی در زندانها صورت گرفت، اما با هیچ جمهوری اسلامی به حق طلبی مبارزین شکنجه و اعدام نبود. اکنون خطر مرگ جان مدافعان زندانی سیاسی را تهدید می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعدام و زندانیان فدائیان سیاسی را شدیداً محکوم می کند و از همه نیروهای انقلابی، ترقیخواه و آزادهای ایران از همه محافل مترقی و دموکراتیک جهان می خواهد که علیه این جنایات و فجایع فزاینده قیام کنند و اعتراض خود را سرانجام در زندانها استفاده کنند. ممانعت بمنظور تشدید فشار علیه جمهوری اسلامی، از اعدام کشتن انقلابیون و میهن پرستان توسط رژیم دمدش خمینی جلوگیری کنند. جمهوری اسلامی باید بطور نقیض خشن ابتدایی ترین حقوق زندانیان سیاسی محکوم گردد و برای قطع پیگرد و بازداشت مخالفان عقیدتی رژیم، قطع هرگونه شکنجه و اعدام، انحلال

اخراج ۷۵۰ هزار کارگر... بقیه از صفحه اول

واظرف دیگر با ورود مدد و مینوی کاروان به بازار کار (هر سال حداقل ۳۰۰ هزار جوان را در بازار کار می شوند و با بیکاری روبرو می گردند) و تشدید فقر و گرسنگی، استعمار بیکاری، و عدم امکان بازگشت به کار اکثریت عظیم

اخراج شکان است. جمهوری اسلامی کدنا مدتها اخراج توده های کارگران را "سیاست غدا انقلاب" جلوه می داد و اخراج تسوده کارگران را تحت عناوین عوام فریبانه ای جسون "بازخرید"، "کاهش بارزینگی" و غیره سر ریاکارانه پرده پوشی می کرد، سرانجام ناگزیر از اعتراف به آن شده و همراه با پیشبرد سیاست وقیانه "کم کردن نان خور" "لايه" "بیمه بیکاری" را نیز پیش کشیده است.

رژیم سرمایه داری آخوندها که مسبب اصلی یس بحران است، در اجرای "سیاست نوین" جنگی برای نظامی شرکت در صنایع، ادامه جنگ و پیشبرد سیاست های ارتجاعی اش همچنان بر اخراج، بیکاری و تشدید بحران دامن می زند. زیرا:

اولاً - برای آنکه فشار بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان منتقل کند.

ثانیاً - با توسل به حربه اخراج و به مخاطره انداختن امنیت شغلی کارگران، جنبش کارگری را تضعیف کرده و در حالت تدافعی قرار دهد.

ثالثاً - در بسیج نیروی انسانی برای جبهه های جنگ، از توده وسیع بیکاران استفاده کند. مضافاً بر اینکه با تهدید به اخراج و تنطیم به اشکال مختلف بخشی از کارگران شاغل را نیز برای اعزام به جبهه ها بفریبند.

وظیفه هسته های مخفی کارگری و همه کارگران پیشرو و آگاهان است که با افشای بی وقفه و کار آگاهانه خویش، ماهیت سرمایه داری بحران

نا بود با جنگ - زنده باد صلح
مرگ برا میریالیسم آمریکا
پیروزی مبارزه خلق در راه سرنوشتی
رژیم جمهوری اسلامی
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ خرداد ۱۳۶۶

سیاسی، که در صف مقدم دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی آنها قرار دارند، می خواهد که صفوف خود را زیر پرچم "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" فشرده تر سازند.

هر چه مبارزه مردم و نیروهای انقلابی و ترقیخواه بیکار و رهزور فربا در اعتراضات علیه ترور و خنثی شدن بلند تر باشد، عمورژیم تبهکار خمینی کوتاه تر خواهد شد.

پیروزی مبارزه مردم ایران در راه آزادی همه زندانیان سیاسی
پیروزی مبارزه خلق در راه سرنوشتی
رژیم جمهوری اسلامی ایران
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲ خرداد ۱۳۶۶

وزارت کار یا... بقیه از صفحه ۸

اوبه شورای "محترم" نگهبان منافع سرمایه داران اطمینان می دهد که قانون بیمه بیکاری به نفع سرمایه داران و با مشورت و صلاحیت آنها تنظیم شده و شورای نگهبان نیز با این بابت نگرانی به خود راه دهد. بدون آنکه کوچکترین اشاره ای به این مسأله بکنند که در تهیه و تنظیم این لایحه منافس کارگران چگونه ملحوظ شده و آنها چه نقشی داشته اند. اظهارات و مواضع وزیر کار در مصاحبه ها و در ماهیت فدکاری و ضد مردمی سیاست سرمداران به نامت کار رژیم را برای کارگران و مردم عربانتر به نامت کدشت و بیش از پیش نشان داده و وزارت کار نه تنها مجری، بلکه منادی سیاست جنگی رژیم، توجیه گروم دفاع لجوج اقتصاد نظامی، مجری و مدافع مشروعیت اخراجها و تشدید بیکاری توده کارگران است. در یک کلام، این مباحثه ها و خود افسارگری ها توده کارگران را در قضاوت دیرینه شان مبنی بر اینکه "وزارت کار، وزارت سرمایه است" استوارتر کرده و عزم شان را برای مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را سخت تر می سازد.

بزرگ کرد تا آنجایی که بگویند ایران الان هیچ دیگر در آن نیست، این جنایتکاران زمین را و بیس احساس خطر است که تهدید کرد که اگر اوضاع را خطرناک تشخیص دهد، این یا آن دسته را قربانی نظام می کند.

انحلال حزب جمهوری اسلامی مظهر هراس شدید خمینی از تها ویرانده شدن کدشت ها بر سرنوشت حکومت است. بقای حزب، جمهوری اسلامی را از کدشت ها و سقوط نجات نمی داد، انحلال آن نیز به معنای پایان درگیری ها نخواهد بود. اما این رویسند نقطه عطفی در واچگیری بحران سیاسی رژیم است.

انحلال حزب... بقیه از صفحه ۲

ما اعتقاد دمو می را از دست داده ایم، "آری، مردم ما این حکومت چهل و چنایت نه اعتقاد دانونه بدان نباشد احساس می کنند، آنها با ورو زو زو نبودی دستگاه ها که همه دسته های داخلی اش را در دل می پروراند.

در چنین شرایطی خمینی بیش از پیش احساس خطر می کند، همدارباش های مکرر و علیه اختلافات در این رابطه است که معنا می یابد. بیدارباش ۲۵ اسفند ۸۰، بویژه در شرایط کنونی اهمیت دارد. او در آن روز دربار وضع جمهوری اسلامی گفت که اگر "خداوند ناخواسته جرقه ای پیدا شود، خواهد شد این را

ارتش اسلامی، ارتش تجاوز و سرکوب

در نشریه‌ها که شماره ۴۰ ماهیت ارتجاعی و فداانقلابی "طرح قانونی ارتش" را شرح دادیم اهداف فاسد-مؤکراتیک و ضد خلقی آنرا برشمردیم و نوشتیم که ولایت فقیه می‌خواهد به کمک آن سایه شوم دیکتاتوری خود را بطور کامل بر ارتش بگستراند. اکنون روی برقی از مواد طرح تا مل بیشتر می‌کنیم:

حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران "طبق بند الف ماده ۵، از جمله هدفهای نظام جمهوری اسلامی و" ارتش مکتبی" شمرده شده است. حفظ نظام جمهوری اسلامی یعنی قتل عام و سرکوب کارگران و زحمتکشانی که دیرباز زود در برابر بورژیزم قد برافراشته و مبارزه انقلابی خود را برای سرنگونی رژیم شدت خواهند بخشید. رژیم بهتر از هر کسی می‌داند که این مبارزه و زیرباز گسترش یافته و نتایج می‌گیرد. از این رو در پی آن است که به طور کامل تر از سلف خود، شاه، از ارتش بهره‌گیرد. از همین رو در بند ب ماده ۷ مستقیماً وظیفه سرکوب راهبردی ارتش محول می‌گردد. منظور رژیم از گنجاندن "همکاری با نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران در مقابل با اشرار، یا غیاب تجزیه طلبان و وجریانات براندازی" در طرح مورد بحث بر کسی پوشیده نیست "تجزیه طلبان و وجریانات براندازی" عباراتی است که همیشه رژیم‌های فدا انقلابی در مورد جنبش‌های حق طلبانه ملی و احزاب و سازمانهای انقلابی بکار می‌برند. رژیم ارتجاع جنشی خلق کرد را با همین حربه‌هاست که می‌گوید: لشکرکشی به کردستان، کشتار و وحشیانه کودگان و زنان بی‌دفاع که از بهار ۵۸ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد، و استفرار حدود ۴۰ هزار سرباز و پاسدار در نقاط مختلف کردستان محروم و سرکوب هموطنان کرد، تحت عنوان مقابل با "تجزیه طلبان" شاه دین مدعا است.

طبق مفاد بند ج ماده ۵ "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف... به درخواست ملل مظلوم" جزو هدفهای نظامی جمهوری اسلامی است. "یاری به ملل مسلمان یا مستضعف" پوشش مناسبی برای صدور "انقلاب اسلامی" رژیم و دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر است. هاشمی رفسنجانی این مطلب را خیلی صریح توضیح داده است. وی در مصاحبه مطبوعاتی روز ۱۳ فروردین ماه اظهار داشت که: "قرارگاه رمضان نیز برای کارهای داخل عراق تعیین شده است"

تنها دو ماده ۵ و ۷ برای نشان دادن خلعت اساسی ارتش مکتبی که تجاوزگری و سرکوبگری است، کافی است.

تلاش رژیم برای تسلط کامل بر سیستم ارتش و تا مین سلطه کامل ولایت فقیه بر آن، در بند ب ماده ۵ تحت عنوان "ولایتی بودن نمایان است در طرح تصریح شده: "نیروهای مسلح تحت فرمان

همای فدایی... بقیه از صفحه اول به ادامه می‌آید و آرمانیهای مردمی خویش زیر شکنجه شهید شد.

رفیق ابراهیم پورنیا در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای زحمتکش، در یکی از محلات فقیرنشین تبریز دیده به جهان گشود. پدرش رادهمان سالهای کودکی، در فقر و بیگاری از دست داد. رفیق ابراهیم در کودکی به کارگری پرداخت و در همان حال عشق به آموختن او را راهی مدرسه نماند. شرایط زندگی دشوار خیلی زود او را به ضرورت مبارزه علیه ستم‌سرایه معتمد ساخت. او در جستجوی راهی برای مبارزه، در سالهای ۵۰ با تعدادی از رفقای سازمان آشناسدوباراً با همایی آنان مطالبات دموکراتیک و انقلابی را آغاز کرد. با شروع اولین خیزشهای توده‌ای بسه عنوان سازمانگری پرشور پیش توده‌ها به حرکت درآمد. او که ازال ۵۲ همافرنیروی هوایی بود، به اعتبار آگاهی و شخصیت انقلابی‌اش که او را مورد احترام غمر دیفان خود کرده بود، توانست نقشش جدی در سازماندهی مبارزات همافران علیه رژیم شاه ایفا کند. بعد از انقلاب و در تشکیل سازمان شادوکا و انقلابی در بین نظامیان را پی گرفت. وی از سازماندهان اعتماد همافران تبریز در تابستان ۵۸ بود. با انتشار نشریه "سرباز و انقلاب" به بخش نشریه پرداخت و خبرنگار فعال آن شد.

رفیق پورنیا در شهریور ۵۹ بدلیل فعالیتهاست انقلابی اش در ارتش و نیروی هوایی اخراج شد. اما بعد از آنرا هم به فعالیت خود در پرتو آدامه داد. در تابستان سال ۶۰ عده‌ای از رفقای سرباز، درجه دار و همافرا یگانه نیروی هوایی تبریز دستگیر شدند. در این جریان رژیم بیش از پیش به محبوسیت رفیق در میان پرتو و نقش جدی او در سازماندهی آنانی برود دستگیرشدگان را برای یافتن رفیق

فرماندهی کل" قرار دارند، و ولی فقیه حتی در تصمیم گیری‌های نظامی نقش اصلی دارد: "دستور فرمانده در صورتی که مغایر با دستورات مسلم شرع، فرمان فرمادهی کل نباشد لازم الاجراست. بر سبیل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بوده، عضویت و وابستگی آنان در شکل‌های سیاسی مطلقاً ممنوع می‌باشد. مطلب به حد کافی گویاست. برای اجرای مقاصد ارتجاعی و ضد خلقی رژیم، ارتش باید در دست مقام رهبری - سیستمی - متمرکز گشته و سیستم اطاعت گورگوارا بطور کامل در آن برقرار باشد تا هر اعتراض علیه رژیم خفه شود. پرتو ارتش هیچگونه حق شرکت و اظهار نظر در تصمیمات نظامی نداشته و باید تحت امر دستورات ارتجاعی رژیم باشد. آنان حق ندارند برای سیاسی از یوغ جمهوری اسلامی در سازمانهای انقلابی مشکل شوند. این سیاست در جهت منزوی کردن پرتو و جدا نمودن آنان از توده‌های مردم طراحی شده تا در موقع لزوم ارتش را یکپارچه در مقابل مردم قرار داده و علیه جنبش انقلابی بکار گیرند. برای جاری ساختن "اساس و فایده مکتب اسلام" بر همه "شئون و ابعاد" ارتش و خط سیاسی مقام رهبری در آن، "سازمان عقیدتی - سیاسی" سازمان حفاظت اطلاعات ارتش در مواد ۱۴ و ۱۶ پیش بینی شده که در راه تحقق خواست رژیم می‌کوشند. در بند د ماده ۱۴ "نظارت بر حفظ موازین اسلامی، در تمام زمینه‌ها و اعلام موارد خلاف به مسئولین... و گزارش به فرماندهی کل..." از جمله وظایف سازمان "مستقل و "متمرکز" عقیدتی - سیاسی است که مستقیماً تحت مسئولیت و نظارت ولی فقیه انجام وظیفه می‌کند. ذکر شده است. این سازمان باید با جاسوسی "گزارش موارد خلاف"، با اجرای موازین اسلامی در تمام زمینه‌ها نظارت داشته و بر اساس آنها عمل نماید. دیگر بهرمانه تراز از این سخن نمی‌شود گفت که باید در تمام امور پرتو دخالست کرد.

جمهوری اسلامی که مذهبی کردن تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی کشور را به‌گام پیش برده است و با تکیه بر این راه و مواد دیگر طرح می‌خواهد ارتش را بطور کامل اسلامی کرده و تمام سازمان آنرا با معیارهای اسلام منطبق و سازگار سازد. رژیم با تکیه بر راهبردی سازمان عقیدتی - سیاسی از شایستگی سیاسی و ایدئولوژیک پرتو به اعمال نفوذ در پیکارهای عتراض انقلابی، انتصابات و ترفیع میوه‌های سرسپرده می‌پردازد. رژیم می‌خواهد با کنترل تمام فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی ارتش پرتو را تابع خواست ولایت فقیه کرده و بطور کامل آنرا تسخیر کند. سازمان عقیدتی - سیاسی سلاح ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در ارتش است و می‌کوشد بوسیله آن افکار پرتو را مسموم کرده آنان را نسبت به پرتو انقلابی بدبین نموده و مانع پیوستن آنان به مبارزه انقلابی گردد. در طرح جدید وظیفه تکمیل عملکرد سازمان عقیدتی - سیاسی در سرکوب نیروهای انقلابی درون

شاید از پیش‌راش رگداشت. اما رژیم توانست رفیق را دستگیر کند. پس از آن محل فعالیت رفیق بدلیل امنیتی به محلات زحمتکش نشین شهر منتقل شد و از سال ۶۲ با سازماندهی گروه‌های مخفی در تبریز - مبارزه مخفی را با شوری بی پایان آغاز کرد. بعد از یورش سال ۶۱ رژیم، رفیق ابراهیم می‌گفت: "ما باید با کارشنا در روزی جای خالی رفقای دربند را پر کنیم". فعالیت‌های نه‌روزی و متعهدانه خود او ترجمان واقعی این گفته بود.

رفیق ابراهیم که خوبی به حساب و ضرورت میرم کسار در میان پرتو ارتش آگاه بود، با احساس مسئولیت ویژه‌ای به کار آگاه‌ها و سازمان‌نگارانه در ارتش و حفظ و گسترش روابط خود با پرتو - مسل می پرداخت. علاوه بر آن بخاطر روحیه انقلابی و سرشت توده‌ای اش وقت زیادی را نیز برای رسیدگی به مسائل و مشکلات خانواده‌های پرتو اسروخانواده‌های همکاران سابقش که با درجنگ کشته شده و یا اعدام شده بودند، اختصاص می‌داد. خانواده‌های بسیاری ابراهیم را بخاطر دارنده سوار و برود چرخه کهنش، تبریز را برای سوزن به آتش زبیر می‌گذاشت. ابراهیم که می‌آمد، شریکی می‌می برای رنجها و مصائب آمده بود و وقتی که می‌رفت، بذریه‌ای امیدو آگاهی را پشت سرش گذاشته بود. رفیق ابراهیم پورنیا در جریان دستگیری‌های مهر ماه ۶۵ در تبریز دستگیر شد و بلافاصله تحت شکنجه‌های حیوانی قرار گرفت. دشمن بهرچنانی دست زد تا مگر به سوار سازمانی رفیق دست یابد و باید در اشرار درهم شکنند، اما در خیمن رژیم ناکام ماندند، زیرا اینمان آویده آرمین طبقه کارگرو فدا ریش به سازمان از سر تن طبقه‌ای و زندگی سرانرجش سیلاب شده بود. در اعلامیه کمیته شهر تبریز آمده است: رفیق ابراهیم فدایی پرشور و روبا و وزحمتکش تبریز

ارتش پیچیده یک سازمان متمرکز اطلاعاتی و امنیتی یعنی "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" گذاشته شده است. ماده ۱۶ طرح دربار این سازمان چنین می‌گوید:

۱- سازمان: پیشگیری، کشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت‌های براندازی... مورد ارجح: ناراضی، نفوذ جریانات سیاسی... وظایف: و - کشف و شناسایی فعالیت‌های سیاسی پرتو و نفوذ جریانات و شکل‌های سیاسی در ارتش و وزارت دفاع و سازمانهای وابسته"

اهمیت مساله برای رژیم روشن است. کسار تشکیلاتی کمونیست در میان پرتو سازماندهی مبارزه آنان، برای جمهوری اسلامی غیرقابل تحمل است. و نیز روشن است که مبارزه پرتو - سرکوب هرگز متوقف نشده و در مقابل مختلف به اشکال گوناگون بروزی می‌کند. به این دلیل مقابل به این روند مستقیماً تحت نظر مقام ولی فقیه و به دستور مستقیم وی، پیش برده می‌شود. در تبصره ماده ۱۶ گفته شده است: "رئیس سازمان حفاظت اطلاعات از بین افراد مورد تأیید مقام رهبری منصوب می‌گردد... مستقیماً تحت امر مقام رهبری انجام وظیفه می‌نماید... علاوه بر آن سازمان مذکور در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات بوده و حق بررسی صلاحیت امنیتی پرتو را دارد و یکی از وظایف آن مطابق بند ۱۶ ماده ۱۶ گزارش اطلاعات و اخبار امنیتی و احله، به وزارت اطلاعات می‌باشد. طرح بنحوی آمده شده که بتواند صورت کلی متراکز و اهدافی شده به هدف تأیید آمد.

لب مطلب را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد، بندها تبصره‌ها و ماده ۱۶ بدنبال هم ردیف شده همگی برای نابودی شکل‌های پرتو انقلابی و تحقق اهداف جمهوری اسلامی طراحی شده‌اند. دستبندی به چنین هدفی برای رژیم به آسانی میسر نخواهد بود، زیرا ارتش تجربه پرتو انقلابی بهمن از سرگذرانده و قدرت خلق را در دست یافتن به خواستهای خویش دیده است. اندیشه انقلابی دیوارهای "مستحکم" ارتش شاه را فرو ریزد. پرتو در یافتن از همان خلقی هستند که با خاست و طومار رژیم شاهنشاهی را درهم پیچید. پس از سرنگونی این مبارزه پرتو را در مرحله نوینی شد. این مبارزه در اشکال مختلف ادامه دارد و گسترش می‌یابد. جمهوری اسلامی نخواهد توانست آنرا خاموش سازد. پرتو ارتش به اتکای مردم، هدف جمهوری اسلامی را در تحقق این طرح ضد ملی و ضد مردمی نقش بر آب خواهد کرد.

"طرح قانونی ارتش" طرحی است که تمام فعالیت و عملکرد "سازمان عقیدتی - سیاسی"، "سازمان حفاظت اطلاعات ارتش" و دیگر ارگانهای مطروحه در طرح مذکور برای سرکوب مبارزه پرتو انقلابی، در اختیار گرفتن کامل ارتش برای سرکوب مردم و نیروهای انقلابی، و برای تجاوز و یورش مرزی پیش‌بینی و طراحی شده‌اند. ارتش اسلامی که آموخته‌ها در پی آنست، ارتشی است متجاوز و سرکوبگر.

که ما با حماسه و اراد در زندان مقاومت می‌کرد و هرگز زیر شکنجه نماندیم، اخیراً قهرمانان نه‌زیر شکنجه به شهادت رسید. "جسد خونین و شایخو رده ابراهیم از شکنجه‌های سخت و مقامی سخت‌تر، حکایت می‌کند... بدین ترتیب ابراهیم، از آزمون آتش، سرفراز برآمد."

رفیق ابراهیم پورنیا نمونه‌ای از یک نظامی کمونیست بود. مبارزه‌اش می‌تواند برای الگویی برای همه نظامیان میهن‌پرست و انقلابی باشد که برای ایجاد مدعی غایر ازم و بهرچه سرمایه‌داری و ایجاد دزدی خلقی بیگانه می‌کنند. یادبر او در خاطر همافران و نظامیان میهن‌پرست و آگاه و در پاره‌های شهادت و زحمتکش میهن‌ما هواره زنده است. یادش گرامی و راهش پسر رهرو باد.

سربازان وظیفه! ارتشیان آگاه! بسیجی‌های مخالف جنگ! راه‌دستیابی به صلح، تنها تشدید مبارزه است. جبهه‌ها را به میدان تبلیغات فدا جنگ و رژیم تبدیل کنید. در عملیات و حملات شرکت نکنید. اخبار مقاومت پرتو مبارزه زحمتکش در راه صلح و آزادی را در دستگیرها پخش کنید. با نزدیکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته‌های کوچک تا ۳ نفری و کاملاً مخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه‌ها و پادگانها گسترش دهید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در باره نقشه کار سازمانگرا نه
در میان کارگران

تحتکیم بیوند سازمان با طبقه کارگر و گسترش
پایگاه اجتماعی آن در میان توده کارگران و زمینداران
برای تحقق آماج های آتی آنها، مستلزم
کارسازمانگرا نه توده ای در میان بیوسه
طبقه کارگراست. کار سازمانگرا نه توده ای در میان
کارگران به داشتن سیاست و برنام عمل روشن
در قبایل جنبش سترگای سیاست مند است. این
سیاست باید نظریه سازمان دهنی اتخاذ دیده کارگری
دراستای برنام موسیسات سازمان بوده و متکی
برموارین کار صنعتی، دموکراتیک و توده ای در میان
توده کارگرا باشد. ما پیش از این، محور و مختصات
اصلی سیاست کارگری سازمان را در عرصه های مختلف
جنبش توده ای کارگری و نیز حلقه های اصلی بسیج
وسازمان دهنی توده کارگران را توضیح داده ایم.

دراینجا باید دید که یکیم که پیشبرد سیاست سازمان
در این عرصه، بیش از هر چیز مستلزم توجه اکید و
مسئولانه رفقای رهبری گروهی است. رفقای مسئول
باید در جوارچوب سیاست کارگری سازمان، نقشه کار و
برنام عمل مشخصی داشته باشند. سازماندهی
هسته های مخفی کارگری و استفاده ازهمه امکانات
علنی فعالیت مخفی، افشای سیاستی ضد کارگری
و ضد مردمی رژیم و ماهیت بورژوازی و ارتجاعی آن،
تبلیغ و ترویج مستعار ایده های دموکراتیک و
وسایل ایستنی در میان کارگران و استفاده ازهمه امکان
برای تقویت و تحتکیم بیوند میان مبارزات کارگری
و مبارزات دیگر اقشار طبقاتی زمینداران، ازهمه
وظایف رفقای مسئول و فعالین پیشروی کارگری
است.

نقشه‌کارها برنا مه عمل مسئولین درکار تودهای
با بدعا لوه را تکا به سیاست سازمان ، با توجه به
امکانات گروهها اعم از امکانات با فعل و یا با قوه
طراحی شود ، نخستین نکته‌ای که در این نقشه باید
رعایت گردد ، مساله تعیین اولویت دراختصاص
تعیین گردد .

تعیین اولویت در اختتامی دادنیرو

ابتدا باید مشخص کرد که در منطقه تحت مسئولیت، کدام یک از واحدها (اعمال تولیدی و یا خدماتی) دارای اهمیت اقتصادی و سیاسی بیشتری است، تا در استفاده از زیرساخت‌ها، سازماندهی درست صورت گیرد. بدیهی است که کارسازمانگرا نه‌شده‌ای در واحدهای استراتژیک نظیر صنایع نفت، ذوب آهن، راه‌آهن، نیروگاه‌ها، مخازن آب، دیپلوماتیون، هواپیمایی و شرکت‌های واحد نظامی، دلیل اهمیت اقتصادی و سیاسی آنها از بالاترین اولویت‌ها محسوب می‌گردد. اینگونه واحدها صرف نظر از آنکه نسبت به کارگران صنعتی با کارگران خدماتی و یا بطور کلی نسبت به کارگران آن‌ها با کارکنان و کارمندان محتمل‌تر دیگر چه اندازه است در حال حاضر باید مورد توجه ویژه قرار گیرند.

کارخانجاتی نیز هستند که نسبت به واحدهای دیگر موقعیت کلیدی دارند، مثلاً کارخانه‌ای در تهران که مواد مصرفی بیش از ۴۰ کارخانه هم‌رشته خود را تولید می‌کند و یا واحدی که ماده موردنیاز چندین کارخانه استیک سازی را تهیه می‌کند، بدیهی است که این واحدها دلیل بر موقعیت، یا پسند یا ناپسند بودن سایر واحدها نیستند. اما اگر واحدهایی که به‌طور مستقیم با واحدهای هم‌رشته خود یا استیک سازی مورد توجه قرار گیرند، چون سازماندهی و حرکت اعتراضی و یا اعتصاب در واحدهای کلیدی هم‌داران را زمینه‌آفرین کرده‌ای تری برخوردار خواهد بود.

همچنین در تعیین اولویت بایدها عمل مهمی چون باقی‌مانده مبارزاتی و احداث تودنه‌ت‌ن‌برخی و احداث هتندگه‌بدیل سوابق مبارزاتی کارگزاران، زو‌م‌و‌عیت و‌ز‌ه‌ای در منطقه و‌یا در واحدهای هم‌جوار، هم‌ر‌و‌ش‌ه‌ بروز‌دارند و‌کارگزاران واحدهای دیگر به‌ه‌حرکت مبارزاتی این واحدها ت‌و‌ج‌ه‌ و‌ز‌ه‌ای ت‌ن‌ان می‌دهند. سنن سوابق مبارزاتی این واحدها، ا‌ج‌را از ا‌و‌ر‌ت‌ه‌ای مع‌ن‌وی بروز‌دارند و‌گ‌و‌ده‌ت‌ه‌.

برخی از واحدهای صنعتی نیز بدلیل گستردگی کمی نیروهای رتباغل در آنها جایز اهمیت اند. در حدود ۱۰۰۰ واحد صنعتی با لاترا ۱۰۰۰ کارگر و ۱۴۰۰ واحد صنعتی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کارگر در کشور وجود دارد. اختصاص نیروی لازم برای کار سازمانگرا نه شده است. در واقع واحدهای صنعتی تمرکز و بزرگ نیز در مقام بسیار واحدهای متوسط و کوچک، از اولویت و یزای برخوردار است. نکته دیگر در اختصاص نیرو برای کار سازمانگرا نه بوده است. در واقع واحدها، داشتن ساخت دقیق و واقعی از هرواحدهم و تعیین مهمترین وجاس و ترین بخشهای آن و منظور کردن توجه ویژه باینگونه بخشهاست. مثلا در واحدها، سراسر، حمل و نقل

بخش‌های مختلفی وجود دارد، اما کارواحد درگروکار
را نندگان آن بخش مربوط است.

اعتبار بدو این قسمت‌ها برکات‌های بخش‌های دیگر اثر می‌گذارد. باید بدروسا زماندهی صبرها، و به‌ویژه در استفاده و بکارگیری رفقای صنفی کار و به تجربه اولویت‌های فوق‌الذکر را مورد توجه‌ا کنید. فرار دادن برای کارخانه‌ها و واحدهای مهم و کلیدی منطقه، برای نظارت بر کار رسته‌های مخفی و بی‌افشالین کارگری این واحدها، با بدست‌اولیسی روزی‌ده و مناسب تعیین کرد. مسئولین گروه‌ها در مناطق مهم کارگری باید خودشان مسئولیت بیشتری بر عهده بگیرند و با حداقل رفقای خیره روزی‌ده آشنا به کار بگذارند. رفقای مسئول با بدستایل مهم و مبرم را با حساست و به‌ویژه بگیری کنند.

بما این ترتیب می‌توان مشخص کرد که تا چه اندازه باید بدروسا و بی‌ا (و آحاد) تولیدی یا خدماتی) این بیان رسته رشتا و اختصار داد.

بیجا دهسته‌ها ی مخفی کا رگری

ایجاد، حفظ و تحکیم هسته‌های مخفی کارگسری
راستفاده از همهٔ مکان‌ها و زمانی و مکانی در شرایط
استبدادی و پلیسی حاکم بر جامعه، ضروری ترین
و مهم‌ترین حلقه کار سازمان‌گرا نه بوده‌ای است.
این وظیفه باید محور اصلی برنامه عمل گروه‌های
سازمانی و فعالین پیشروی کارگری ماکزاکریده.
مسئولین سازمانی باید برآورد مشخصی از وضعیت
اجدهای منطقه خود، موقعیت کارگران را پیشرو در
ترین واحدها، وضع شکل‌های علنی موجود، میرم -
ترین و مهم ترین مطالبات کارگران، موقعیت
رگانهای وابسته به حاکمیت درواحدها، برآشنا
نوده کارگران، اشکال و شیوه‌های موثرتر کاررتبلیتی
سازمان‌گرا نه، و ابالاکله، عناصر جدید و ابالاکله
ندهای جاری مبارزات کارگری داشته باشند.

تعیین موقعیت کارگران پیشرو در واحدها از طریق طرح های منحنی و درجه تاثیر آنها ضروری است. باید مشخص کرد که آنها در جداول مرجع از فیلد دارند یا بصورت محفل و یا دسته مخفی کارگری. و اگر هنوز دسته مخفی کارگری در این واحدها شکل نگرفته است، سلت چیست؟ وضعیت شکل های علنی (منحنی) اعم از زورهای اسلامی کار، تشکیلاتی کارگری و سایر حمایت های صنفی جنبی و فرعی از نظر درجه استقلال و یا وابستگی آنها، محدودیات فراگیر بوندشمار چگونه است، کدام یک از آنها مستعد بغای نقش بندی تری در دفاع از منافع صنفی کارگران است؟ درجه تاثیر کارگران پیشرو بر دسته مخفی کارگری تشکیلاتی علنی و یا دسته حکومت نظارتی آنها چیست؟ کارکنان غیر صنفی و دسته حکومت نظارتی چه جایگاه و کارهای دیگری نظیر واسطه جویی و گسری پیدا، ادا ردها است و مدیریت چگونه است؟ توجه به این مسائل است که باید کارگران نیازناختن های اصلی نظام مسئولین و فعالین پیشروی کارگری است. پیروهای پیشروی و توجه لازم به این مسائل پیروها هستند و است. اعتماد خود کارگران را جلب کرده و نیازناختن های مناسب شمارهای به موقع و نیاز و پیوندهای مبتکرانه و خلاقانه مبارزه را بخاک زنند.

کار سازمانگرا نه توده‌ای، عرصه‌های متنوعی
روزافزونی و سیاسی را پیش روی مسئولین
فعالین پیشرای کارگری قرار می‌دهد که در ایمن
و در این شرایط، ایجاد و تحکیم هسته‌های
خفیه کارگری و استفاده از همه امکانات علمی
و توده‌ای، در مبارزه و فعالیت قرار دارد.

مسئولین سازمانی و فعالین پیشروی کارگری باید توجه داشته باشند که برای ایجاد هسته یقینی و جهاری تقویت و تحکیم آن، ضروری است در عین کنار پیروی و محال کارگری و بخصوص در درون حلقه کارگری فعال و موثر، کار روزهای صورت گیرد. کار در محافل کارگری بویژه ارتباط نزدیک فعالین کارگری، منصفی کارهای با سابقه و عناصی بهاداری اعتبار و معنوی و نیز اثربخش فکری در محیط کار خود هستند، باید پیگیرانه دنبال شود. علاوه بر تماس و ارتباط با حلقه ها و محافل موجود کارگری در دین آن آنها، با بدیاسرمان ندادن ویسا ایجاد دین محافل نیز آرا همکارهای منصفی رعرعده های معین مبارزه منصفی راهوار کرد. عمدتا زاین طریقی است که می توان محافل پی سازمان عادی کارگری را به سکوپی برای تشکیل هسته های منصفی متشکل کارگری و یا به تکیه گاه برای تحکیم پایه و نفوذ توده های هسته های موجود کارگری بدل کرد.

نکته مهم دیگری که در این رابطه باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که برپایه سراسر سازمان بکارگزاران دارای صلاحیت و مهارت کافی برای انجام وظایف محوله و همچنین با توجه به نیازهای سازمان، باید به صورت مستمر و به روشی سیستماتیک و منظم، آموزش و تدریس لازم را در اختیار آنان قرار دهد. در این راستا، باید به این نکته توجه داشت که آموزش و تدریس باید به گونه‌ای باشد که به صورت مستمر و به روشی سیستماتیک و منظم، آموزش و تدریس لازم را در اختیار آنان قرار دهد.

کننده که هرفرقی که در محیط های کارگری فعالیت کند، حداقل در طی دوره ۶ ماهه با چند کارگر رفت و آمد داشته و به این مدت ۲ یا ۳ تنی ها و مناسبت منجر به مساحت گیری شده است یا نه، باید برنا مکار چنان با دشکد کارگران فعال نه تنها موافق و مدافع شعارهای منعی سازمان گردند، بلکه حتی المقدور به فعالیت سیاسی و تشکیلاتی با هدفیات سازمان نیز جلب شوند.

استفاده از همه امکانات علمی

ایجاد و تحکیم هسته‌های مخفی کا رگری با یبدا شرکت در تشکیل های منفی‌علنی و استفاده از مکانات علنی و تربیبون های قانونی تکمیل گردد و گرنه تلفیق کا رمخفی و علنی بی‌فایده است. در شرایط کنونی مهم‌ترین شکل منفی علنی و قانونی موجود شوراهای اسلامی کا راست که عمدتاً تشکل های سیاسی و بنیادنی وابسته به دولت اند. تشکل های منفی علنی دیگری نظیر تعاونی های مصرفی مسکن و اعتبار و در برخی موارد نمایندۀ منفی با هیات نمایندگی کا رگران و نیز کمیته‌های جنبی و فرعی منفی نیز وجود دارند که بعضاً تا حدی مستقل اند، اما دامنه حقوق و وظایف آنها در مقایسه با شورا ها محدود است. و بعضاً فعالیت آنها وابسته و پیروان کا رگری کا عبارت است از تکیه و تا کید بر پشته‌های مخفی کا رگری و تقویت مستمر موقعیت آن بهمنابۀ آلتربا نی و واقعی تشکل منفی و نیز شرکت در همه تشکل های منفی موجود و اعمال شورا، تعاونی و غیره (در اوضاع سندیکا های متصرف که بعضاً مستقل مانده اند)، افشای سیاستها و ضوابط ارتجاعی و ضددموکراتیک حاکم بر ایسین تشکل ها، افشای و طرد نمایندگی کا تحمیلی آنها، تقویت و تثبیت موقعیت بنیادنگان واقعی کا رگران و رایسین تشکلها و بیا ایجاد یک فرا کمیون شیروندی و یا نفوذ در درون آنها در صورت مکان است. در شرایطی که هیچگونه تشکل منفی مستقلی کا جازه فعالیت ندارد و در او ادهای کلیدی حتی ایسین تشکلی همین شورا های اسلامی کا ر نیز منوط به کا جۀ هیات دولت است، با یبدا زها مکان علنی و لیبود و در باری صحت با توده کا رگران و افشای ایسین ضوابط استفاده گردد.

رفقای رهبری گروههای سازمانی با بدفعا لین
کارگران پیشرو مرتبط با گروه خود را به شرکت هرچه
شد در درجهرکتیای توده ای و فعالیهای متنفسی
روزمره تشویق کنند. اعتماد توده کارگران را
بسی توان تنها از طریق فعالیت هسته مخفی، نیز
بر تباطات محلی تا مین کرد. توده وسیع کارگران
در جریا طرح یان با آنده منفسی واجتماعی
طبی مبارزهای که برای تا مین حقوق خود می کنند ،
باجال آنز می با بندهک پیشروان و زمان بندهکان
واقعی خود را بشناسند و آنها اعتماد دکنند. تنها
در جریا مبارز است که شایستگی فعالین کارگری
با مین و واقعی پیشروان و واقعی توده کارگران محسک
با بندهک

فعالین کا رگرمی ما با پیدر عبا رزا متصفیوسک
کا رگرا، نم تنها شرکت کنند، بلکه بیشگا M با شند
مسئولین سا زمانه در سا ندهی فعالین کا رگرمی
با پیدر عبا مه خوردا به توجه به میزان شناخت عوام
رژیم از این فعالین و کارآیی واستعداد این رفقا
در کار توده ای طراحی کنند، بدینجی است که تنها
مقدور محدود و معینی از فعالین کا رگرمی مسا
هسته های مفتی سا زمانه ی خود هندش. بر خسی از
رفقای کا رگرا که کمتر شناخته شده اند، با پیدر
رعایت فوایط امنیتی کار، در عرصه های علمی
و حرکتی ای قانونی صفی فعا لست کرد. رعایت فوایط
منیتی به این معنا است که ارتباط سیاسی
سا زمانه این رفقا از دید عوام مل رژیم به نشان
بماند، ضمن آنکه فعالیت صفی واجتماعی آنها
علمی و آشنا راسته همچنین، فعالیت این رفقا
بسیار به بیشگا م و سا زمانگرا مل رژیم متصفی
شده ای کا رگرا نیز حتی المقدور با پیدر زدیده
عوام مل رژیم پنهان بماند. اما نه از دید توده
کا رگرا. چون توده کا رگرا با پیدر پیشروان
رژیم بندگان واقعی خود اعتمد دکنند و برای آنکه
عمدا دکنند با پیدر با نشانا در روشن است که در
وایط پلیسی سربازان ای حاکم رجا معوم محیط
کار، فعالین و نما یندگان مورد اعتماد دگا رگرا
آنها یی که در صنف مقدم جنبش توده ای کا رگرمی
با رزمه یی کنند، بیشتر از دیگران مورد انتقام جویی
بر مایه داران و رژیم قرار دارند. آنها بیشتر از
دیگران در معرض اخراج با زداشت و مجازات های
سنگین هستند. همین سبب موجب می شود که برخی
بر وارد کا رگرا ن پیدر شدن و با پیش گذاشتن
نمای طرح و با پیگیری مطالبات صفی نیز تردید
نم دهند. اما این چیز ای است که دشمنان بطریق
کا رگرمی خوا هند. مسئولین سا زمانه و رفقای
با رگرا با پیدر غم همه محدودیت ها و فشار های
متوجه فعا لیت ما ست به ای نکته توده اکید
شد با شد که ما با پیدر ترتیب شده در شرایط
فقار با ر موزر در پیش پیدر توده کا رگرا قرار
گیریم. تا با توده در شرایط اعلی جنبش

هنر و ادبیات مردمی

از "آیدا، درخت، خنجر و خا طره":

زیبا ترین ترانه‌ها را بخوان
شکجه پنیا ن سکوت را آشکاره کن
وهراس مدارا ز آنکه بگویند
ترانه‌ای بیپوده می خوانید
چرا که ترانه‌ها ترانه بیپوده نیست
چرا که عشق حرفی بیپوده نیست
حتی بگذا رآفتاب نیز بر نیاید
بخاطر فردای ما اگر
برماش منتی است،
چرا که عشق
خود فردا است
خود همیشه مومن
پیروزی تومیوه حقیقت تست ...
پیروزی عشق نصیب توباد!

من فکرمی کنم
هرگز نبوده
دست من
این سان بزرگ و شاد
احساس می کنم
در چشم من
به آبراشک سرخون
خورشیدی غروب سرودی کشدنیسی
احساس می کنم
در هر رگم
به هر تپش قلب من
کنون
بیدار باش قافله‌ای می زندجرس .

از کتاب: "باغ آینه"
من فکرمی کنم
هرگز نبوده قلب من
اینگونه گرم و سرخ.
احساس می کنم
در بدترین دقایق این شام مرکزی
چندین هزار چشمه خورشید
در دلم
می جوشد از یقین.
احساس می کنم
در هر کنار و گوشه این شوره زاریاس
چندین هزار جنگل شاداب
ناگهان
می روید از زمین.
آه‌ای یقین گمشده، ای ماهی گریز
در برکه‌های آینه لغزیده توبه تو
من بگیر ما فیم، اینک به سر عشق
از برکه‌های آینه‌ها می به من بگو!



دولت ایران نیز از امضا کنندگان این موافقت نامه‌ها بوده است.
ما خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران هستیم

● جنبش زنان هلند در سیاه خودی‌دا و رشده
شیدا به‌زادی تهرانی، «مارومبا رزنا بیت قدم آزادی و بهروزی مردم ایران ... در زیر شکنجه‌های وحشیانه جان سپرد، و یکی از آخرین سن نمونه‌های جنایت روزمره رژیم جمهوری اسلامی است».

● انجمن زن و ملج فرانسه اعلام نمود:
"ما سرکوب و حشانه نیروهای مترقی در ایران بویژه تهاجم اخیر به رفقای فدایی خلق ایران (اکثریت) را محکوم می‌کنیم و با شدیدا به‌زادی قهرمان که در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان خمینی به‌شهادت رسیدار گرامی می‌داریم».

● همبستگی ۱۲۰ حزب و سازمان، سندیکای کارگری و شخصیت‌های مترقی ایتالیا با زندانیان سیاسی ایران:

موج همبستگی در ایتالیا بسیار رنیر و مند و فراگیر بوده است. ۱۲۰ حزب، سازمان و شخصیت ایتالیایی از جمله حزب کمونیست، حزب دمکراتی پرولتاریا، فراکسیون سنا شورای کمونیست در ستای ایتالیا، تشکل‌های مختلف کشوری و شهری متعلق به زنان، جوانان، کارگران، نویسندگان و ... به‌انگیزه‌ای کوناگون با زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی کرده و ضمن محکوم نمودن رژیم حاکم بر ایران، خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند.

● در اسپانیا نیز در پی اعتصاب غذای چهار روزه اعضا و هواداران سازمان کهدران رفقای توده‌ای و عدای از ایران با زندانیان آزاده مقیم اسپانیا نیز شرکت داشتند، موج گسترده همبستگی با زندانیان سیاسی بسراه افتاد که در جریان آن عموم احزاب سازمانها، شعرا و نویسندگان، حقوقدانان و ... رژیم خمینی را محکوم کردند.

● بسیاری از رسانه‌های عمومی جهان ضمن منعکس کردن اخبار مربوط به زندانیان و هواداران سازمان در خارج از کشور، رژیم خمینی را محکوم نمودند. از جمله این رسانه‌ها "اومانیتیه" و "لیبراسیون" و "لوپوند" چاپ فرانسه، "مورنینگ استار" و "سان دیو" چاپ بریتانیا، "پاژدهرا" و "مانیتست" و "ماسا جرو" چاپ ایتالیا و خبرگزاری فرانسیس بودند.
ایما دهمبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران از محدوده اروپا و آمریکا بسیار فراتر رفت. نیروهای شرقیخواه در کشورهای عربی، هندوستان، ژاپن و آمریکای لاتین هر کدام به گونه‌ای در جنبش جهانی برای محکوم نمودن رژیم تبهکار خمینی مشارکت جستند. بی‌گمان این همبستگی پرشور جهانی به انقلابیون و مردم ما بیش از پیش نیروی بخشش تا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و پاک کردن لکه‌نگی کهدر ایران میهن ما نشسته است، متعهد و یکپارچه به‌پیکار خواهد داد و می‌دهند.

جها نی اتحادیه کارگری ...
● بیانیه سندیکای عمومی کار علیه سرکوب و اختناق در ایران:

ث. ژ. ت. بزرگترین تشکل کارگری فرانسه بیانیه‌ای علیه جنایت رژیم منتشر کرد. در بخش ازیبانه آمده است:
سندیکای عمومی کار فرانسه (ث. ژ. ت.) که تا کنون با رها نقض آشکار حقوق بشردار ایران را محکوم کرده است، اعتراض خود را در مقابل این سرکوب بربر منشاء اعلام می‌دارد. سندیکای عمومی کار، خواهان پایان دادن به اعدام و شکنجه و همچنین آزادی شما می‌زندانیان سیاسی در ایران است.

● اعلام همبستگی سندیکای عمومی کار (C. G. L.) با فدائیان خلق:
سندیکای عمومی ایتالیایی (C. I. L.) بزرگترین تشکل کارگری جهان سرمایه‌داری، همبستگی خود را با سازمان ما اعلام کرده و علاوه بر آن اعضا و کارهای برجسته C. I. L. بزرگترین اتحادیه کارگری ایتالیا، همبستگی عمیق خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده و رژیم تبهکار خمینی را محکوم کردند.

● احزاب و سازمانهای مترقی یونان، هلند، دانمارک و فرانسه جمهوری اسلامی را محکوم کردند.
۷ حزب و سازمان معتبر یونانی از جمله حزب کمونیست یونان، حزب سوسیالیست متحد یونان، کنفدراسیون کارگران یونان و حزب کشاورزان یونان ۲۶ حزب، سازمان و شخصیت در دانمارک از جمله حزب کمونیست دانمارک، حزب سوسیالیست خلقی اتحادیه کارگران انبار و تجارت دانمارک و اتحادیه حروف چین‌های دانمارک، ۱۶ حزب و سازمان در هلند و از جمله احزاب کمونیست هلند، رادیکال‌های شرقی، سوسیالیست‌های ملج طلب جنبش زنان هلند و اتحادیه نویسندگان هلندی، احزاب و شخصیت‌های معتبر و متعدد در فرانسه، آلمان، فنلاند، بریتانیا و سوئد به‌اشکال کوناگون، از جمله امضاء طومار، انتشار بیانیه و ارسال تلگرام همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام نموده و رژیم خمینی را محکوم کردند.

نما یندگان حزب کمونیست فرانسه و چند حزب و سازمان سیاسی و فرهنگی فرانسه اعلام نمودند که: ضمن محکوم نمودن دستگیری و شکنجه قریب هزار تن از اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ما امضا کنندگان، نهایت نگرانی خود را در مقابل خطر مرگی که جان این میهن پرستان و مقاوم و شجاع و مبارزین مکرر سی عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، بارز می‌کنیم. مسا خواهان توقف فوری تها و زبه‌بدهی‌ترین حقوق انسانی و دمکراتیک در ایران هستیم. ما خواهان اعزام یک هیات تحقیقاتی به سه سرپرستی نماینده‌ای بین المللی دفاع از حقوق بشروارگانهای ملاحی در سازمان ملل متحد به ایران هستیم. این هیات وظیفه تحقیق نسبت به تخطی وزیر با گذاشتن مفاد دمویات موافقت نامه‌های بین المللی را به‌عهده خواهد داشت که

همبستگی جهانی ...

بقیه از صفحه اول
جنایتکار خمینی را محکوم نموده و همبستگی عمیق خود را با نیروهای شرقیخواه ایران و بویژه فدائیان زندانیان سیاسی و فدائیان در بند اعلام کردند. در داخل کشور نیز مبارزه برای نجات زندانیان زندانیان سیاسی همچنان ادامه یافت. نیروهای سازمان علیرغم یورشهای سیمانه پاسداران جهل و جنایت، به افشای تبهکاری‌های رژیم ادامه دادند. خواصدهای زندانیان سیاسی اوپسن و گوردهشت در دفاع از فرزندان زندانی خود به تحمیل در مقابل زندان گوردهشت دست زدند. زندانیان سیاسی در شرایطی که شکنجه و اعدام آنان را تهدید می‌کند، همچنان به مقاومت قهرمانانه خویش در مقابل دژخیمان رژیم ادامه داده‌اند.
با سیاسی از همه‌گسائی که همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران و بویژه زندانیان فدائی برآزدا شده‌اند، با ارج گذاری بر تلاش هموطنان آزاده و میهن دوستی که به فراخوان سازمان پاسخ گفته و در مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی مشارکت جسته‌اند، ضمن تقدیر از فعالیت اعضا و هواداران سازمان در سراسر جهان از آنان دعوت می‌کنیم تا با اعتصاب غذا، راهپیمایی، تحمیل، مراجعه به مراکز معسر بین المللی و دیگر اشکال مقتضی کار را با همبستگی با زندانیان سیاسی ایران را قاطعانه و بی‌پیکارانه ادامه دهند.

تنها راه جلوگیری از گشتار زندانیان، تداوم و گسترش با هم بیشتر مبارزه مشترک و یکپارچه همه نیروهای انقلابی، مترقی و آزادیخواه در داخل و خارج کشور است.

آنچه در زیر می‌آید گزیده‌ای است از جلوه‌های گوناگون همبستگی جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران در ماه‌های اخیر:

● قطعنامه هیات‌های نمایندگان ۱۸ کشور برای پایان جنگ و اختناق در ایران:

شرکت کنندگان از ۱۸ کشور جهان در کنفرانس "جبهه ملی پدروطن"، فراگیرترین سازمان سیاسی - اجتماعی جمهوری دمکراتیک افغانستان، بیانیه‌ای را امضا کردند که در آن آمده است:

"ما نگران جان دهها هزار زندانی سیاسی در ایران از جمله فدائیان و توده‌ای‌ها و دیگر سرشورهای دمکراتیک و مبارز می‌باشیم. معتقدیم جان آنان مورد تهدید جدی مرگ قرار دارد.
انکار عمومی و همبستگی جهانی را به حمایت از این زندانیان و تلاش در جهت بازیدیهات‌های ذیل از بین‌المللی از اسپانیا، قرون وسطایی جمهوری اسلامی ایران فرامی‌خوانیم.
نمایندگان سازمانهای زیر از جمله امضا کنندگان این بیانیه بوده‌اند:

انجمن ملج و همبستگی اتحاد شوروی - جبهه متحده بازاری و دفاع از سرزمین مسادری کامپوبیا - سازمان کمیته‌های دفاع خلقی جمهوری دمکراتیک خلقی یمن - جبهه ملی چکسلواکی - سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا - شورای ملج و همبستگی سودا - کمیته ملج و همبستگی فلسطین - فدراسیون سراسری کارگران قبرس - جبهه میهنی کوبا - جبهه تلاش برای ساختمان ملی - اتحادیه کارگری جبهه ملی ساندنیستی نیکاراگوئه - جبهه میهنی ویتنام - فدراسیون

عدالت اسلامی در عمل

هر روز که از عمر متکین جمهوری اسلامی می‌گذرد، حلقه گم‌برند بیگاری، گرسنگی و بی‌خانمانی بر دوش زحمتکشان میهن ما تشنگی می‌شود. بسیاری از زحمتکشان میهن ما، حتی نان خالی را به زحمت تهیه می‌کنند و این در حالی است که نقدینگی بخش خصوصی به بالای رقم ۱۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

فقر عمومی بحدی گسترش یافته است که سرداران رژیم را نیز مجبور به اعتراف کرده است. جندی بیش غلامحسین نادی نماینده مجلس گفت که از مجموع ۱۳/۳ میلیون نفر جمعیت فعال ایران، نزدیک ۴ میلیون نفر بی‌کار هستند و مجموع ۵۰ میلیون نفر جمعیت ایران، ۱۲ میلیون نفر از نظر اقتصادی بسیار محروم و ۲۲ میلیون نفر بسیار آسیب پذیر و ۱۱/۷ میلیون نفر در فقر و آسب پذیر هستند و ۱/۳ میلیون نفر از نظر اقتصادی مرفه می‌باشند. او سپس فاش ساخت که نرخ تورم در سال جاری ۴۶/۵ درصد است. تا بلوی فوق از کمبود نان می‌دهد که در جمهوری اسلامی کمتر از ۲/۵ درصد جمعیت ایران از نظر اقتصادی مرفه هستند و زوای دیگر بی‌کاران است که اکثریت قریب به اتفاق جامعه در فقر عمومی بسر می‌برند و بی‌کسب و اقلیت ناچیز "ما حب" کل ثروت عمومی جامعه هستند. اعتراف موسی نخست وزیر رژیم در این رابطه بی‌نیاز از هرگونه توضیحی است. او در اردیبهشت ماه ۶۵، در محامیه با اطلاعات جنین گفت: "مردم مادر طول ۷ سال (۵۶ تا ۶۴) درصد فقیرتر شده اند، از طرفی نقدینگی بخش خصوصی در سال ۶۴ نسبت به سال ۵۶ حداقل ۴ برابر شده و دولت ۸۰۰۰ میلیارد ریال بکسب و بختی بیشتر از بودجه به سران رسیده است". طی این جنجال اخیر نیز وضع به مراتب بدتر شده و فقر بر زندگی حقوق بگیران و مزدبگیران جامعه ما به ندادخته است.

علیرغم این وضع هشدار رژیم تبهکار خمینی هیچ تلاشی نمی‌کنند که وضع زحمتکشان اندکی بهبود یابد. قیمت کالاها همچنان تصاعدی بالایی دارد، بیگاری بیش از پیش جنبه همگانی پیدا می‌کند و ر نتایج طبق اعتراض سردمداران رژیم "گوشه میوه برای خانواده‌های کم درآمد، آرام، آرام دارد جنبه او را پیدا می‌کند" (نماینده خرم آباد - سال ۲۱ اردیبهشت ۶۶).

وضع مسکن برای زحمتکشان در آوار است. هم‌اینک بیش از ده درصد در آوار می‌باشند. اکثریت زحمتکشان صرفاً اجاره خانه می‌شود. دور تا دور خانه‌های بزرگ را آلونکهای حلبی و خانه‌های چادری پر کرده است و همگی آنها از ابتدای تریه امکا نات رفاهی نظیر آب ولوله کشی بهره‌مندند. بیگاری نیز که خود معلول نظام منحط سرمایه داری است و در شرایط شخصی میهن ما، جنگ و عوامل تشدید آن است، روز بروز گسترش می‌یابد و به هر چه بدتر شدن زندگی زحمتکشان می‌گردد. در این وضعیت، اخراج گروهی کارگران توسط ارتجاع جاکم همچنان ادامه می‌یابد.

با وجود اینکه "هر روز بیرون پولداران افزوده می‌شود و محرومین بیشتر در تنگنای قهرانی گیرند" (نماینده شوهر - کیهان ۳۰ فروردین ۶۶) رژیم در نظر دارد هر قدر که تیش می‌برد، کسری بودجه اش را نیز از طریق غارت زحمتکشان تأمین نماید. علاوه بر آن از آنجا که بیش از ده درصد درآمدزای جمهوری اسلامی بصورت دلارهای بی‌ارزش می‌شود، با کاهش قیمت دلار در بازارهای بین المللی، زحمتکشان میهن ما با یستی با رسنگین تورم حامل از توان قیمت دلار نیز بدوش بگشند.

نمونه‌های شوم هر چه وخیم تر کردن شرایط زندگی مردم، شب و روز از حقوق دست اندکاران رژیم، به‌کوشی رخسار آنجا که به اعتقاد آنها جنگ موهبتی است الهی که برای پیاپی کردن "احکام اسلام عزیز" ضروری است، مقداری که در جمهوری اسلامی به خاطر استقرار حکومت الهی در روی زمین زحمتکشان بی‌سابقه‌ترین محرومیت‌ها را تحمل می‌کنند. گاه البته این محرومیت‌ها شامل حال فقها و تجار "محترم" و سایر سرمایه‌داران و مالکان اراضی و خلاصه خودیها نخواهد شد.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز بنیان گذاشت در راه حفظ نظام سرمایه‌داری کوشیده و زمینه غارت هر چه بیشتر زحمتکشان توسط سرمایه‌داران، بویژه تجار "محترم" را فراهم ساخته است. به همین جهت تصادفی نیست که بتوسیم تضایط سال پس از انقلاب ۴۳ درصد مردم فقیرتر شده اند و در مقابل ثروت سرمایه‌داران بیش از ۴۲ برابر شده است.

تا وقتی که نظام سرمایه‌داری پابرجا است، بیگاری، گرسنگی، بی‌خانمانی و هزاران مشکلات طاقت فرسای دیگر نیز پابرجا است. این نظام سرمایه‌داری است که باعث ایجاد و گسترش فقر عمومی است، و به همین دلیل تا وقتی که این نظام پابرجا است و نظام سوسیالیستی جای آن نگرفته است، بی‌عدالتی و فقر نیز به درجات مختلف پابرجا خواهد بود.

وزارت کار یا وزارت سرمایه؟

در آستانه اول ماه مه، روز کارگر، روزنامه اطلاعات، مصاحبه‌ای با سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی در تریب داد. موضوع اصلی مصاحبه سیاست دولت وزارت کار برای "حفظ اشتغال در شرایط نوین اقتصادی" بود. وزیر کار که از مداخلات جدی طرح نوین اقتصادی است، این سیاست اقتصادی قدرمدی را عامل اصلی "حفظ اشتغال" و نجات دهنده تولیدنا مید.

واقعیت آن است که این سیاست که حدود ۲ سال پیش بدینال تشدید بحران اقتصادی و تداوم جنگ طراحی شد، به نوبه خود امری برای تداوم و گسترش جنگ و نظامی کردن اقتصاد کشور است. برخلاف ادعای وزیر کار و عوارض فلاکت را برای این طرح در شنبه و خاتم زندگی کارگران و زحمتکشان کشور پیش از این ما هیت ارتجاعی آثر آن را پیش گذاشته است.

وزیر کار با گستاخی تمام در توجیه نظامی کردن بخش مهمی از تولید می‌گوید: "برای حفظ اشتغال در دورترین سطح ما به کمک می‌دهیم که ارتباطی با مسائل نظامی ندارد، به نوبه خود برای حفظ اشتغال دست به تولیدات نظامی در حوض خود زدند و از این طریق به میزان بسیار زیادی توانستند سطح اشتغال را حفظ کنند".

هر قدر هم که وزیر کار بکوشد تا تحریف و دروغ‌ها بیق تلخ را بپوشاند، کارگران و زحمتکشان خوب می‌دانند که عامل اصلی راه افتادن سیل اخراجها و آوارگی و بی‌خانمانی آنها جنگ است. سرحدی زاده بدون آنکه بگوید که چرا امروز سالها در بیگاری تا این اندازه قادر و کارگر شده، "راه حل" پلایانه و جنایتکارانه سیاست نوین جنگی را برای مقابله با اخراج و حفظ امنیت شغلی عرضه می‌کند. وزیر کار می‌خواهد آتش را با بنزین خاموش کند.

خوب است اگر سرحدی زاده ایرانیان دانست، بدانند که سیاست حفظ اشتغال از طریق نظامی کردن اقتصاد، شمارا با دای او دولت خدمتگزار رگبیلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان نبوده، بلکه سیاست ارتجاعی ترین محافل جنگ افروزا میریالیستی و "راه حل" انحرافات نظامی - صنعتی - برای "حفظ اشتغال" و "مقابله" با بحران بیگاری است. طبق ادعای وزیر کار، گسترش تولیدات نظامی به میزان زیادی سطح اشتغال را حفظ کرده است. چند روز قبل از مصاحبه وزیر کار، در ۷ اردیبهشت ۶۶، روزنامه دولتی کیهان اعلام کرد که: "گفته می‌شود رقم کارگرای که بطور غیرارادی از کسری از ترک فعالیت حرفه‌ای و شغل خود می‌شوند تا پایان سال ۶۶ از مرز ۷۶ هزار تن خواهد گذشت". علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر و مشاور و روس و سرهز نخست وزیر نیز بر همین شماره کیهان گفت که: تعداد اخراجی‌های سال ۶۶ به مراتب بیش از سال ۶۵ خواهد شد.

وزیر کار در همین مصاحبه در توضیح عوامل دیگر "حفظ اشتغال" در برتوسایت نوین اقتصاد می‌چنین می‌گوید: "همچنین تلاشیایی که در زمینه صادرات غیر نفتی صورت گرفت و روز بروز در حال توسعه است و این امر نیز به توسعه تولیدات غیرارادی مربوط می‌شود عاملی برای حفظ اشتغال با ایجاد اشتغال می‌شود در اقتصاد ما است." این مثل روز بزرگان روشن است که اقتصاد وابسته کشور و گریه‌نا بردار مدیونت علی‌سالیان دراز، رژیمهای سرمایه‌داری را مجبور به واردات بخش‌های مهمی از احتیاجات مصرفی داخل کشور کرده است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. با این اقتصاد بحران و بیمار، تولیدات داخلی هیچگاه کفایت مصرف داخل کشور را نمی‌کند، چه رسد به صادرات وسیع آن بعنوان یکی از منابع مهم تأمین رز. جز آنکه از همان حاکم بر کشور، محصولات مورد نیاز داخل را به قیمت‌های ازل صادر می‌کنند تا جزئی از ارز مورد نیاز برای ادامه جنگ را تأمین کنند. گاه البته یکی از علل کمیابی و گرانی سرمایه‌آوار اجناس و ایجاد بازاریا برای ابتدایی ترین احتیاجات توده مردم نیز همین است.

سرحدی زاده در پاسخ به این سؤال که قوانین کار، بیمه‌بیکاری و تأمین اجتماعی در چه مرحله‌ای از تصویب و ابلاغ است گفت: "قانون بیمه‌بیکاری از مجلس شورای اسلامی پذیرفت. شورای محترم نتوانی مواردی از آنرا اشکال داشتند. امیدواریم که واقعا توجه کنند، ما قانون بیمه‌بیکاری را به گونه‌ای تنظیم کردیم که غالباً خود کارفرمایان (چرا از بخش دولتی و جدا از بخش خصوصی) به این امر رضایت داشتند. ما نظر خواهی کردیم و آن‌ها نظر گرفتیم" سپس گستاخانه ادامه می‌دهد: "همینطور منتشیم و به میل خود چیزی را بنویسیم. کارشناسان چه از بخش دولتی و چه از بخش خصوصی در تنظیم این قانون شرکت داشتند و به حال کارفرمای بخش خصوصی راضی تر است که کارگرها تجربه خود را اندکی تحت پوشش بیمه بیگاری قرار دهند تا او را اخراج کنند".

یاد هر مالان...

با زده سال پیش در سرکاره هشتم تیرماه سال ۵۵ در پی ضربات گسترده رژیم به سازمان ما، محل تشکیل اجلاس فوق العاده رهبری سازمان در محراباد جنوبی در محامیه جلادان شاهنشاهی درآمد. حمید اشرف و یاران بالایی سرودخوان تا آخر پیکان شیرخا ب و تا آخرین جنگیتندوسر راه آرمان بزرگ خویش - کمونیسم - نهادند.

ضربات سال ۵۵ و بویژه ضربه تیرماه برای بزرگ برای سازمان و برای کل جنبش خلق بود. بها ضربه تیرماه می‌کار در رهبری سازمان به شهادت رسید. شهادت رفقا، بویژه شهادت رفیق حمید اشرف فاجعه‌ای بود که هر چه زمان پیشتر رفت، عمیق آن بیش از پیش برای جنبش روشنتر گشت. رفیق حمید همچون انسان شوالا مبارزی پاکباخته بی‌انگاری برست، رهبری و رهبران و رهبران جلاک سالها با رستگین رهبری سازمان در آن روزگار سخت را بدوش کشید. مجموعه خصال او همواره نیروبخش فدائیان بود. او همچون بار تیرانی جور همواره از تسور گسترده پلیس و از سخت‌ترین محاربه‌ها می‌رست تا کاری را که نیمه‌کاره مانده بود، ازرگردد. هم‌ا ز اشرف بود که رژیم برای دستگیری او جایزه‌های تعیین کرد و پس از شهادت او، جلادان که نیک می‌دانستند که گهری را از سازمان و جنبش خلسق ربوده‌اند، با یکوی هاکردند.

ما این روز را روز شهادت رفقا را، روز شهادی فدایی نام نهاده ایم. گرامی داشت تیرنه قسط می‌باشد شهادت شهادی تیر، بلکه گرامی می‌باشد آن فدائیکاری‌ها و قهرمانی‌هایی است که رفیق قهرمان حمید اشرف و یاران او سمل آن بودند و از همان آغاز همچون قند فداان مفت‌ناخته شده است. ما این روز را به مثابه نمونه قهرمانی فدائیان سمل ایمان آنان به آرمان طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش و آینده‌روشن بشریت همچون تجسم شکست ناپذیری و ایستاده مردن گرامی می‌داریم. قهرمانی و جانبازی در راه خلق، بدون ایمان به فردا و عشق به خلق ناممکن است. ما آن ایمان و آن عشقی را که سرمشقا قهرمانی‌های فدائیان و همه مبارزین خلق است ارج می‌نهم و در برابر آن عزم و اراده‌ای که پس از ضربات تیر، سازمان را پابرجا نگه‌داشت، سر تعظیم فرود می‌آوریم.

اینک باز دهمین سالگرد تیرمائی از راه می‌رسد که فدائیان همچنان در سخت‌ترین شرایط پلیسی در زیر سر نیزه و سلاح دشمن درگیرند، ما هنگامی به استقبال ۸ تیر می‌شتابیم که رژیم خون‌شام‌تر از رژیم شاه بر سقودرت است و ادا مدهندگان راه تیرمائی ما، با خون فدائیان و ضو می‌سازند. اینک دویخمانی در پی فداانند که کینه‌آنان، زاده ایمان مطلق به جمل و تاریکی است. ما در چنین شرایطی برچم "تیر در راه" را فراموش نمی‌توانیم، بلکه تیرمائی ما آغاز کرده‌اند، بی‌گوریم، ما در هشتم تیرمائی در رفقای را که در سال اخیر با خون خود، پیوند استوار خویش با توده محروم و نترس سوزان خود را جامعه مبتنی بر استقامت و زور و حاکمیت روحانی - سرمایه‌دار را به ثبات رسانند، گرامی می‌داریم.

از زور و شکست ناپذیری سازمانی کمونیستی معمولاً به زور شکست ناپذیری آتش‌پیلان افاضاتای تشبیه می‌کنند و می‌گویند: در یونان باستان پهلوانی بودیم آن آتش فروزند متراکبه زمین، مادام که پای او بر زمین بود از زمین - از مادر خود نیسر می‌گرفت هیچ سلاحی بر او کارگر نبود و تنها نقطه ضعف او آن بود که از زمین - از مادر و منبت قدرت خویش جدا سازند. هر کول بر این راز پی برد و نبردی با او زمین بلند شاخت و در هوا خنجر را درسته‌اش نشانند، تا زمانی که سازمان کمونیستی از مادر خود از منبت لایزال قدرت خویش نیرو می‌گیرد هیچ نیرویی را برای نابودی آن نیست. اگر پیوند با توده‌ها رمز آسیب ناپذیری سازمانها است، ایمان استوار به آرمان طبقه کارگر و توده‌ها و عشق آتشین به آینده و نترستی سوزا بنده‌شمن - رمز پایداری فرد و کمونیستها در سخت‌ترین و دشوارترین شرایط است.

ما در هشتم تیرمائی آن قهرمانانی را که با قلبی آکنده از چنین ایمانی مبارزه کردند، گرامی می‌داریم و پیمان می‌بندیم که همواره به سنن قهرمانی ۸ تیر به بیگاری‌ها پای جان و فساد را بناییم.

تاریخ نشان داده است که ما هر چند، بارها به خاک افتاده ایم، ولی هیچگاه بزنا خود ریا مده ایم. ما می‌نیم ۸ تیر گواهی آن است.

با جمع آوری
کمک‌های مالی
فدائیان خلق را در انجام وظایف
انقلابی خود یاری دهید.

که به این طرح پیوندند. طرح ریگان در صورت اجرا، خواهده توانست اولاً حضور و کنترل نظامی بیشتر آمریکا را در سرحدات خلیج فارس تا منتهی نماید. ثانیاً خطر گسترش دامنه جنگ در ابعاد سراسر منطقه را به همراه خواهد داشت. این طرح از جانب سایر کشورهای امپریالیستی، در کنفرانس مورد استقبال قرار نگرفت.

سران ۷ کشور شرکت کننده در کنفرانس علیرغم اینکه خود را کنون عمده ترین تامین کننده سلاح برای ادا منه جنگ ایران و عراق بوده اند، عوامفریبانه خواهان پایان یافتن جنگ شده اند. کنفرانس با وجود اینکه پذیرفت احکامات جدیدی برای پیشرفت مناسبات کشورهای سوسیالیستی و کشورهای بزرگ سرمایه داری فراهم گردیده است، پاسخ مشخصی به پیشنهاد های اخیر اتحاد شوروی در مورد موشک های میان برد عملیاتی - تاکتیکی نداد. در عین حال بر لزوم حفظ نیرو های هسته ای غرب تاکید نمود.

کنفرانس ونیز که سیزدهمین دیدار رهبران ۷ کشور بزرگ امپریالیستی بود و برای برپایی آن هیاهوی تبلیغاتی بسیار راه انداخته شد، در پایان خود در هیچیک از مسائل اقتصادی مهم بسنه توافق نرسید.

همان روز را دیدار آمریکا خبر مسافرت مقامات آلمانی به لبنان را جهت آزادی گروگانها پیش کرد. این بهدیه است که با کام دیگری از سوی جمهوری اسلامی همراه شد. چند روز پس از وقایع فوق روزنامه "الشراع" یعنی همان روزنامه ای که برای نخستین بار خبر سفر یک فارلین به ایران و بنسب و بست های پست پرده دو رژیم را افشا ساخت، خبر داد که یک کمیته ۵ نفره در تهران برای نظارت بر آزادی گروگان در لبنان تشکیل شده است. در این کمیته ۵ نفره، احمد خمینی، رفسنجانی، خامنه ای، محسن رضایی و رفیق دوست یعنی ۵ تن از سران درجه یک رژیم چنانکه خمینی شرکت دارند و خود خمینی نیز شخصاً بر آن نظارت می کند.

تشکیل چنین کمیته ای در چنین سطحی نشان نه اهمیت فوق العاده ای است که رژیم اسلامی برای حل مساله گروگانها در لبنان قایل است. واضح است که تلاش رژیم چنانکه روایت خمینی برای آزادی گروگانها، برخلاف تبلیغات حکومتی بخاطر "اهداف بنزدستانه" نیست. این رژیم در طول ۸ سال حاکمیت خود با ره نشان داده است که هیچ قربانی با بشردوستانه ندارد. رژیم از تلاش برای حل مساله گروگانها - مساله ای که بی تردید خودی در ایجاد آن نقش داشته - هدفی سیاسی میخشد راندن اقبال می کند که عمده ترین آن برداشتن موانع در پیشبرد سیاست سازشکارانه خود و نزدیک شدن به امپریالیسم آمریکا است. تشکیل چنین کمیته ای را که نشان "حسن نیت" رژیم اسلامی و در واقع فراغ سبزدگی به امپریالیست ها، باید نشان تازه درجه بندی جمهوری اسلامی به امریکا دانست. خمینی در آزادی حل و فصل مساله گروگانها چشم به سلاح های آمریکایی دوخته است. مساله او و در شرایط فعلی داشتن سلاح های بیشتر برای ادا منه جنگ ارتجاعی است.

تعیین آوندها برای بازسازی روابط با آمریکا از موقعیت دشوار حکومت آندانی می شود. رژیم مدتهاست در گمان زنی برین بست جنگ و بحران همه جانبه در هم فشرده می شود ادا منه جنگ به روال فعلی - بر خلاف تبلیغات رسمی حکومتی، باریک بزرگ - همراه است، رژیم نتوانسته هیچکدام از وعده های خود در مورد "پیروزی" "اعلامی را عملی سازد. نفرت مردم از جنگ به چنان حدی رسیده که هر واقعه کوچک می تواند به چنان بزرگ و انفجار خشم مردم بیانجامد. ادا منه جنگ با فقر و گرسنگی و بیکاری و کشتار گسترده همراه است و امکان گسترش جنبش انقلابی را دوچندان کرده است. رژیم علیرغم تبلیغات تنوع آرو خود در باره "موفقیت های حکومت قدرت اسلام"، مبارزه با "برق قدرت" و... دریافت است که برای پیروزی بر صدام و برای ادا منه کشور به شیوه سرمایه دارانه (یعنی غارت و سرکوب اکثریت مردم توسط اقلیتی محدود) به حمایت هرچه بیشتر امپریالیست ها نیاز دارد و از اینبویا سرور گنداب خیانت دیگری فرو رفته و برای نزدیکی به امپریالیست های آمریکا بی شتاب می ورزد.

نتیجه ناگزیر این نزدیکی آقایی امپریالیست های آمریکا بی وضعیت رژیم اسلامی است. این روابط برای زحمت کشان ایران از بدبختی و ستم بیشتر، محمول دیگر به همراه نخواهد داشت. نفوذ گسترده تر امپریالیسم در میهن ما یعنی غارت بیشتر منابع و شروعتی مردم، یعنی استثمار وحشیانه تر کارگران و زحمت کشان، یعنی عقب ماندگی بیشتر جامعه، یعنی تبدیل ایران به ابزار سیاست های سلطه گرانه و چنانکه اراده امپریالیست ها، مردم ایران چنین سلطه ای را نخواهند پذیرفت.

اجلاس سران ۷ کشور امپریالیستی

سران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ژاپن، ایالتیاد و کانادا طبق معمول هر ساله در تاریخ ۱۸ خرداد در شهر ونیز ایتالیا گرد هم آمدند تا درباره مشکلات اقتصادی کشورهای خود و بطور کلی جهان امپریالیستی چاره اندیشی کنند. ولی عملاً مسائل حاد سیاسی جهان، مسائل اقتصادی در دستور کنفرانس را تحت الشعاع خود قرار داد و سران ۷ کشور نتوانستند به اخذ نتایج عملی لازم در عرصه اقتصادی نایل آیند. علت اصلی عدم توافق راه حل های اقتصادی را با پدید اختلافاتی دانست که هم اکنون بین امپریالیسم آمریکا و کشورهای اروپایی و ژاپن بر سر تثبیت نرخ ارزها، نوسانات دلار و افزایش فروش کشورهای مختلف از جمله خود آمریکا و تاثیرات مخرب کسری بودجه آمریکا بر سایر کشورهای ونیز عدم توازن مبادلات با زرگانی، موجود است.

بحران خلیج فارس و جنگ ایران و عراق از جمله موضوعات مهم کنفرانس بود. در این زمینه آمریکا تلاش کرد که یک نیروی فزاینده مشترک برای "حفاظت کشتی ها" را سازماندهی کند و متحدان خود را وادار

جنگ زرگری با آمریکا و

ادامه معاملات پشت پرده

هیاهوی تبلیغاتی و جنگ زرگری میان رژیم خمینی و دولت ریگان که گمان ادا منه دارد و هر سر از گاهی نیز اوج می گیرد. خمینی در سخنرانی های خود بیست سبت عید فطر با ردیکره پر خاشویی علیه آمریکا پرداخت سخنان او پاسخی بود به اظهارات ریگان که چند روز قبل از آن رژیم ایران را رژیم وحشی خوانده بود. البته خمینی در این پاسخ گویی ملاحظاتی را بابت پشت پرده را از نظر درونداش و به جای آن شعارهای آتشین قبلی به این اکتفا کرد که گفته های ریگان را سخنان "بی حساب و سرخود" بخواند و "ملتهای ضعیف" را به کوبیدن، منتقد "ریگان" دعوت کند. اینگونه خط و نشان کشیدن و چارو - چنگال های تبلیغاتی از سوی مقامات در رژیم با شدت و ضعف همچنان ادا منه دارد. هدف واقعی رژیم از این تبلیغات و هیاهوی خصمانه، از یک طرف برای انحراف افکار مردم از گنداب بیانی است که اکنون حکومت اسلام در آن عوطه و راست از سوی دیگر، بمنظور باز زرگری بیشتر این روسپیان سیاسی است که به قول خمینی نمی خواهند فقط "گاوشورده" باشند و از این معامله پرسود سهم بیشتری می طلبند.

اما در پس این هیاهو ها، آوندها با سرعت بکار خویشتن مشغولند و گمان می آید از جهت جوش دادن میان "حکومت الله" با "حکومت شیطان" سر می دارند. آخرین گام از سوی امپریالیست های آمریکا پس دادن ۴۵۱ میلیون دلار از امانت های ایران در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه بود. وجود فوق حدود ۵ سال در بانک فدرال از زر و آمریکا مانده بود. این گام آمریکا همان "علامت" و "شرطی" است که رفسنجانی خاش با ره آنداشته "حسن نیت" آمریکا خوانده بود. وی ۴۰ روز قبل از این واقعه نیز مجدداً تاکید کرده بود: "من ایران را میگویم، مایک علامت گذاشته ام که آمریکا می تواند حسن نیت خود را ثابت کند و آن از دادن اموال ما است که غیر قانونی در آمریکا توقیف شده است" (ما صاحب مطبوعات اول اردیبهشت). علیرغم اینکه "یک مقام ایرانی" پس از استرداد اموال توقیف شده با قسم و آیه خواست ثابت کند که: "انتقال این وجوه به هیچ وجه به مسائل گروگانهای آمریکا بی درلینان و یا سایر مسائل سیاسی ارتباطی ندارد" (کیهان ۲۴ اردیبهشت)، اما این "حسن نیت" آمریکا بلافاصله با اقدام متقابل از سوی جمهوری اسلامی در رابطه با آزادی گروگانهای آمریکایی درلینان همراه گردید و آشکار شد که رفع توقیف از اموال ایران برخلاف یاهو های "مقام ایرانی" هم به آزادی گروگانها و هم با مسائل سیاسی دیگر ارتباط دارد.

روز ۴ خرداد یعنی ۱۰ روز پس از استرداد ۴۵۱ میلیون دلار، نماینده پارلمان وزیر مشاور سابق در امور خارج آلمان فدرال به انتقاد مشا و سیاسی صدارت عظم و سفیر این کشور در ایران با رفسنجانی دیدار کردند. مشا و سابق ضمن ابراز حمایت دولت آلمان از رژیم جمهوری اسلامی، خواهان کمک این رژیم در مورد مساله گروگانها شد. رفسنجانی نیز "بخاطر احترامی که برای آقای گنر (وزیر امور خارج آلمان امپریالیست) قایل است" در پاسخ به این تقاضا قول همکاری داد و در عوض خواستار رشیکه دولت آلمان فعالیت در رژیم سازمانهای سیاسی ایرانی در آلمان را ممنوع سازد.

پیشنهادهای پیمان ورشو درباره صلح و خلع سلاح

روزهای هفتم و هشتم خرداد ماه، رهبران دولتی و حزبی کشورهای عضو پیمان ورشو، اتحاد شوروی آلمان دموکراتیک، بلغارستان، چکسلواکی، یونانی، لهستان و مجارستان در برلین گرد آمدند تا در مهم ترین مساله جهان معاصر یعنی تامین صلح و چگونگی مقابله با گسترش سلاح اتمی ونا بودی آن مشا و ره کنند.

سران کشورهای عضو پیمان ورشو با تاکید بر ضرورت از بین بردن خطر جنگ ونا مین صلح و امنیت و خلع سلاح عمومی پیشنهادات خود را طی سندی ارایه نمودند و کشورهای امپریالیستی و اعضای پیمان نا تورا به پاسخ مثبت به پیشنهادات خود قرار دادند. اجلاس شورای برلین برنا مه پیشنهادی گسترده خود برای سالم سازی اوضاع جهان را بشرح زیر فرمولبندی کرد:

۱- صلح کامل و هر چه زودتر از مسایات هسته ای بعنوان گام اول در راه محو سلاح هسته ای، کاهش مرحله به مرحله وسایل نا بودی کامل این تسلیحات و جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضایی گیتی است.

۲- محو سلاح های شیمیایی و دیگر انواع سلاح های کشتار جمعی

۳- برچیدن موشک های میان برد آمریکا و شوروی و نیز نا بودی موشک های عملیاتی - تاکتیکی - در اروپا.

۴- کاهش تعداد نفرات نیرو های مسلح و کلاهک های هسته ای در اروپا.

۵- کنترل اکید بر تمام اقدامات مربوط به خلع سلاح با استفاده از امکانات ملی و بین المللی کنترل.

۶- ایجاد مناطق آزاد از سلاح اتمی و شیمیایی در اروپا و دیگر مناطق جهان.

۷- خودداری متقابل کشورهای عضو پیمان نهاده ورشو تا توازن تسلط به قدرت نظامی، انحصار سلاح های نا بودی در اراضی دیگر کشورها و فراخواندن نیرو های مسلح به محدوده مرزهای ملی.

۸- خارج کردن سلاح های خطرناک تنها چاهی از مناطق تماس مستقیم میان دو پیمان نظامی.

۹- انحلال همزمان پیمان نا تورو ورشو، بعنوان گام اول در جهت از بین بردن رگانه های نظامی و طرف و در نهایت امرا با جدیستیم جامع امنیت بین المللی. شرکت کنندگان در اجلاس مشا و ره برلین با اظهار نظر پیرامون جنگ ایران و عراق بعنوان یک کاسون مهم و خطرناک که صلح منطقه و جهان را به خطر انداخته است، خواهان قطع هر چه زودتر جنگ شدند و تاکید نمودند که مساله مورد اختلاف طرفین باید از طریق مذاکره و طبق موازین بین المللی حل گردد.

شهادت دکتر حمدانه، کمونیست برجسته لبنانی

بدنبال جنايت قتل رفیق کمال مروه، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، راجل برجسته سیاسی و محقق سرشناس و عده ای دیگر از مسئولین حزب کمونیست لبنان، دکتر حسن حمدانه عضو دیگر کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان نیز در ماه گذشته در حوالی منزل خود در بیروت هدف سوء قصد قرار گرفت و به قتل رسید.

در ماه مارس سال گذشته نیز رفقا سهیل تاویل عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی و سردبیر نشریه "الطریق" و خلیل شوشن عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان نا جوان مردانه توسط دستجات مرتجع اسلامی لبنان به شهادت رسیدند.

اقدام چنانکه اراده ترورا عفا کمیته مرکزی و مسئولین حزب کمونیست لبنان، نشان هراس مرتجعین از گسترش و تحکیم فزاینده موقعیت طبقه کارگر و نفوذ روز افزون اندیشه و سیاست حزب کمونیست لبنان است. کمونیسم ستیزی محافل مرتجع و شورویست لبنان، این منادیان تفکر ترور و سطا بی را در صف حامیان امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه قرار می دهد. آنها که حضور فعال کمونیست ها و رونق و اعتبار جنبش کارگری و کمونیستی را با معاد زوال و نا بودی تارک اندیشی و تحجر می بینند، چاره کار را در ارمای فیزیکی رهبران جنبش کمونیستی جستجو می کنند. همبستگی های آنسها در جمهوری اسلامی نیز همین شیوه سیاست را مدتهاست تهبگاه اراده دنبال می کنند. مرتجعین چه در ایران و چه در لبنان و در هر جای این کره خاکی باید بدانند که با قتل و کشتار و شکنجه کمونیست ها نه تنها صدای حقیقت خاموشی نخواهد گرفت، بلکه آتش کینه ای که در دل عاقلان کمونیسم علیه ارتجاع و سرمایه داری شعله ور است فروزا نتر و چهره کریم دشمنان مردم اکثرا ترمی گردد.

سازمانها و انجمنها را رونق میدهد و نیست به ایمن جنایت هولناک مراتب تا ترمیق و همدردی خود را نسبت به حزب کمونیست و مردم لبنان اعلام می دارد.

یاد رفیق حسین فلاح پور گرامی باد

رفیق حسین فلاح پور ازکا درهای تشکیلات قائمشهری سازمان ما، در جریان انجام یک مأموریت سازمانی در تیرماه ۶۵، در اثر تصادف اتومبیل درگذشت. رفیق حسین انسانی زحمتکش بود. او از میان زحمتکشان برخاسته بود و عالیتین خیمه اش عشق به مردم و بهر روزی توده های زحمت بود. رفیق حسین بعد از یورش رژیم به حزب توده ایران در دیهمن ماه ۶۱ به مبارزه مخفی روی آورد و در طول سالهای ۶۵-۶۱ با فداکاری و از خودگذشتگی، فروتنی و احسان مسئولیت عمیق در کارکندید سازمان تشکیلات مازندران متارکت جست.

هنگامی که جسدر رفیق به زادگاهش قائمشهر انتقال یافت، مردم شهر با برگزاری مراسم تشییع جنازه بسیار باشکوه قدرش را عمیق شان را از فرزندان خدیده نما پیکر گذاشته. در آن مراسم هزاران نفر از اهالی شهر که می دانستند او ازکا درهای سازمان ما است و در چهره سال اخیر مخفی بوده و علیه رژیم مبارزه می کرده است، برای ادای احترام مدبرای جنازه اش حاضر شدند. آنها از مردم دوستی، فروتنی و شجاعت حسین یاد کردند و نشان دادند که فرزندان وفادار خلق در اعماق وجود مردمی دارند.

در سالگردشایدت رفیق حسین همراه با کارگران و زحمتکشان قائمشهر، یادش را زنده و گرامی می داریم.

جنايات تازه رژیم

کارگزاران رژیم خمینی هراسان از رشدن رفايتی توده ها و بیمناک از انجام تبهکاریهای بیشتر و خویش در حق رنجبران میهن ما، شالقه را بردست واپسینه سیران محکمتر فرود می آورند و جوچه های تازه برای اعدام انقلابیون در بند میهای می کنند. در چند ماه گذشته، با زهم شمار دیگری از زندانیان سیاسی به جوچه اعدام سپرده شدند. رفیق ابراهیم پورنیا و چند تن دیگر از اعضاء و مسئولین سازمان از جمله اعدام شدند. هر روز اخبار تازه ای از جنایات روزمره رژیم برملا می شود.

نام مردم شماره ۱۵۰ نیز خبر اعدام دو پاسدار توده ای رفقا محمد حسین عبدی (جاوید) و محمد حسن عبدی از اهالی روستای قزلجه کندهمدان را اعلام کرده است. در نامه مردم آمده است که "آنها در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب، بر اساس رهنمود حزبشان به سیاه پیوسته، در جریان پیوست سراسری به حزب توده ایران دستگیر شدند و بعد از ماهها زندان، در اردیبهشت ۶۳ تیرباران شدند."

بنابنا اطلاعیه منتشره در نشریه فدای شماره ۲۴ در نخستین روزهای اردیبهشت ماه رفیق مسعود نصاری مبارز بر سر اسفاده و مشا و ر کمیته مرکزی گروه منشعب از سازمان (پروینا به آذر) بخواجه اعدام سپرده شد و در پاییز سال ۶۳ دستگیر شده و در این مدت تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روانی قرار داشته است.

شماره ۲۵ و ۳۶ نشریه "راه کارگر" خبر شهادت دوتن از اعضای این سازمان را منتشر کرده اند. به نوشته این نشریه "رفیق فیروز قهرقاری، کسادر حرفه ای این سازمان در مرداد سال ۶۴ دستگیر و پس از چند ماه ضمن حفظ اسرار سازمانی از دشمنان، در شکنجهگاه اوین به شهادت رسید". علاوه بر آن این نشریه اطلاع می دهد که "رفیق اکبر نعمتی عرب" نیز پس از تحمل یک سال و نیم شکنجه در اسفند ۶۳ اعدام شده است. وی از مؤسسان کانون مستقل صلحان تهران در سال ۵۷ بود.

در شماره ۱۷۲ "بولتن خبری کردستان ایران" آمده است که دوتن از پیغمر که های حزب دیکرات کردستان گاک صالح امینی بعد از تحمل یک سال شکنجه در سقزو "محمد پور جانی" در سنندج اعدام شده اند.

سازمان مجاهدین خلق اعلام کرده است که در اردیبهشت تعدادی از مجاهدین زندانی اعدام شدند. یاد همه شهیدان خلق را گرامی می داریم و با اتحاد عمل از جمله برای دفاع از جان زندانیان سیاسی، رزم مشترکمان را غنا و توان بیشتری بخشیم.

خود را تحقق بخشد. ردوبدل کردن اطلاعات و استفاده از تجارب، و همچنین تربیت متخصصان ویژه، از جمله عرصه های است که این همکاران می توانند در راستای آنها کوشش نمایند. بهیچوجه نباید رژیم خمینی را با کشورهای امپریالیستی شرایط مساعدی بسورای گسترش همکارانهای دو جانبه و در واقع تسلط بیشتر سیاست و تبلیغات سرویس ها و پیرا سازمانهای جاسوسی امپریالیستی بر سر واک خمینی و دیگر دستگاه های امنیتی رژیم فراهم آورده است.

هرچه بحران رژیم و مبارزه توده های مردم بیشتر می شود، رژیم بر شدت فعالیت های سرکوبگرانه و امنیتی خود می افزاید. اولین اساسی پیکر ده ها بازداشتگویی و شکنجه اعدام انقلابیون طی ماه های اخیر گسترش بی سابقه ای یافته است. بورژوازی مستکبره به سازمان ما، تشدید شکنجه در زندانها و اعدام های دسته جمعی و چنانچه کارانه زندانیان سیاسی در ماه های اخیر تشدید شده است. از این اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی است، همراه با گسترش تورا ختنی و سرکوب در داخل کشور، رژیم خمینی سرکوب خشن انقلابیون در خارج از کشور را نیز تشدید کرده است. یورش عمل حزب اللهی رژیم به تظاهرات پناهندگان ایرانی در کربلا، اعدامات جاسوسی و اوباشگری در آلمان و آمریکا و هندوستان و سایر کشورها، نمونه ای از تلاش های عتانی گشخته ای است که رژیم برای خاموش کردن مدای نیروهای انقلابی در خارج از کشور در پیش گرفته است.

برای گسترش مبارزه انقلابی و مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، مبارزه با پلیسی سیاسی آن و ختنی کردن فعالیت ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی آن اهمیت جدی دارد. مبارزه با پلیسی سیاسی را باید به مبارزه ای توده ای و همگانی بدل کرد. خودکارگران و توده های مردم در گسترش این مبارزه نقش مهمی بر عهده دارند. شناسایی و افشای نام و مشخصات عوامل اطلاعاتی رژیم در کارخانجات، ادارات، محلات و در سطح جامعه ضربه موثری بر کار آنان وارد می آورد. باید تا این مزدوران را دهان به دهان به گوش همگان رساند، بروی دیوارها نوشت و برای سازمانهای انقلابی فرستاد. اخبار محرمانه، نقشه ها و چگونگی فعالیتها و روش های کادی این ارگانها مورد استفاده قرار می دهند. راسیما افشا ساخت و به گوش مبارزین ضروریست که از دور این ارگانها به بیرون درز کنند و در اختیار انقلابیون قرار گیرند. می توان در بخشهای ختن فعالیت دستگاه های امنیتی رژیم موثر واقع شود. بویژه لازم است اخبار و اطلاعات مربوط به تنقیب و مراقبت پنهانی انقلابیون توسط مزدوران رژیم را در اولین فرصت به گوش مبارزین رسانند و آنها را پیشاپیش از خطر آگاه ساخت.

افشاء و انتشار اطلاعات مربوط به همکاران ساواکی یا سابق با رژیم آخوندها و همچنین گردآوری ترجمه و انتشار کارگزاران، دربار همکاران سیاسی اطلاعاتی بین رژیم خمینی و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی که در مطبوعات جهان به جاب می رسد، درستی آبرویی بیشتر رژیم و افشای ماهیت عوامفریبانه آن می تواند نقش موثری داشته باشد. توده های بیشتری را به مبارزه علیه رژیم خمینی و پلیسی سیاسی آن جلب کند.

با گسترش مبارزه توده ای علیه پلیسی سیاسی رژیم می توان فعالیت ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی آنها را شل و پاش و انقلابیون و مبارزین ضروریست رادربنا شبکه خبری را و اطلاعاتی خودمردم قرار داد.

زده به دل دارند. آنان برای فریب مردم سنست اعلام غرور بزرگ به سیل زندگان ترجمه می دهند. سیل فاجعه مکرر کشور ما است. این بلا در یک سال اخیر، به جز چند منطقه معدوم، تمامی استانها را گرفتار هجوم خوساخته خانه ها و کاشانه محقر بسیاری از زحمتکشان را بر سر آن آوار کرد و بیماری، بی سرپرستی و بدبختی بیشتری برای گذشتگان ما از آنها که ساله امی فقها جنگ است، خود را دل مشغول اینگونه مضامین زندگی مردم نمی کنند.

آنها با کمال وقاحت حتی گناه این فاجعه ها را به گردن خود سیل زندگان می اندازند که اولاد سیه ران خود را در مسیر سیل سرهم کرده اند و تا نیا برخلاف تجار و محترمان، و جوهری نمی برد از زنده و در نتیجه به غضب الهی دچار می شوند.

تازمانی که رژیم فدمردمی چون جمهوری اسلامی بر سر کار است، این مصیبت ها تمام نخواهد داشت. باید انتظار کمک از رژیمی که خود را رگوشه مصیبت و بلا بر مردم نازل می کند، نباید بسود. هبوطان باید به سیل زندگان، نه از طریق دولت ارگانهای حکومتی، بلکه مستقیماً به اشکال قضی کمک کنند. باید برای کار رژیم را در متنازع زد که به قربانیان سیل افشا کنند و نقش رژیم را در تشدید بعد ادیک چنین فجایی برملا سازند.

تشکیل ارگانهای تازه سرکوب

دراوا خرفروردین ماه گذشته، آخوندها الهی معان آموزشی فرما ندهی کمیته ها خبرتاسیس "دانشکده علوم انتظامی کمیته انقلاب اسلامی" را اعلام کرد. دانشکده کمیته از اول مهر ماه امسال آغاز کار خواهد کرد. چند روز پس از اعلام این خبر، ری شهری وزیر ساواک خمینی نیز تشکیلات "بانک اطلاعات (مرکز) مپیوتری نگهداری اطلاعات امنیتی" را اعلام نمود. این اقدامات که بدنیا تاسیس "دانشکده جاسوسی وزارت اطلاعات در مهر ماه گذشته و تشکیلات دانشکده وابسته به سیاه صورت می گیرد، از جمله تلاشهای رژیم بمنظور گسترش تورا ختنی و تشدید سرکوب و ستم بشمار می رود.

باید تشکیلات بانک اطلاعات به دولور رژیم مستحاضی بر می گردد. رژیم شاه در سال ۵۹ همزمان با تشکیلات "کمیته مشترک ضد فساد بکاری" تدارک تشکیلات "بانک اطلاعات" را نیز آغاز کرد. هدف این "بانک" گردآوری اطلاعات و مشخصات امنیتی همه مسردم و سپردن آن به گام مپیوتری بود تا ما موران اطلاعاتی رژیم به مراجع به آنها بتوانند سرچشمه اطلاعات مورد لزوم خود را بیست آورند. رژیم شاه برای تشکیلات بانک اطلاعات تدارکات گسترده ای دید و گام مپیوتری های مدرن و پیشرفته ای را به خدمت گرفت. اما انقلاب بزرگ توده های مردم بساط رژیم ارتجاعی را درهم پیچید و از وی استفاده از بانک اطلاعات بردل شاه و ما مورین شکنجه گرش باقی ماند. بعد از انقلاب تا سیات و امکانات این بانک در پادگان سلطنت آباد به چنگ رژیم جمهوری اسلامی افتاد. رژیم خمینی از مدتی پیش دست بکار تکمیل و راه اندازی این برنامه شده است. شواهد کنونی نیز رسماً خبر تشکیلات آنرا اعلام کرده است. راه اندازی "بانک اطلاعات" در شرایط کنونی برای رژیم اهمیت زیادی دارد. همزمان با گسترش پیگیرها، دستگیری ها و بازرسی های خیابانی که به منظور مقابل با فعالیت های روزافزون نیروهای انقلابی صورت می گیرد، دستگاه های اطلاعاتی رژیم به اطلاعات متمرکز و طبقه بندی شده ای نیاز دارند تا بتوانند با کشف سریع مشخصات مورد لزوم خود، تورا ختنی را گسترش داده و کنترل امنیتی خود را تشدید کنند. رژیم خمینی برای راه اندازی "بانک اطلاعات" و سایر مراکز ارگانهای پیرونده سازی و سرکوب، و سیاه از ساواکی ها و مپیوتری های رژیم سابق مسود می جوید. خدمات پشت پرده چند ساله "فردوست" مهر دست راست و مورد اعتماد شاه در دستگاه های امنیتی خمینی امروز بر بسیاری از مردم روشن شده است. فردوست ها در دستگاه های عیش و طوبیل اطلاعاتی - امنیتی رژیم کم نیستند. ده ها ساواکی و شکنجه گرز رژیم شاه در تمام می این دستگاه ها و سازمانها خور دارند. رژیم خمینی از تجارب و "تضمین" این آدم گنان و شکنجه گران در مبارزه با انقلابیون بهره می گیرد. کمیته مشترک شیخ و شاه نسبت به گمونیست و بدبخت سرما به داری نسبت به مبارزه طبقه کارگر علیه ستم و استثمار، آخوندها و ساواکی ها را به همکاران گسترده و موثر وادار نموده است. رژیم در راه اندازی "بانک اطلاعات" علاوه بر استفاده از ساواکی ها و آدم گنان رژیم سابق، همکاران امنیتی و اطلاعاتی و جاسوسی با سازمانهای فدا طلبی و جاسوسی امپریالیستی را نیز گسترش داده است. رژیم نمی تواند بدون اتکا به کمکهای این سازمانها، اهداف "بانک اطلاعات"

سیل فاجعه آفرید

باز سیل آمد و مرگ و ویرانی وسی سامانی دیدید آورد. قربانیان این بار هم پنهان ما در استانهای سیستان و بلوچستان بودند. در این میان مسردم زاهدان و روستاهای اطراف آن بیش از همه زنده گسی وهستی شان را از دست دادند. در زاهدان عزای عمومی اعلام شد و روز ۱۲ خرداد ماه از سبوی نخست وزیر و هلال احمرهای منطقه شناسایی شد. به وضع سیل زندگان روانه ای منطقه شد. دولت از مردم تقاضای کمک کرد و اما خودش فقط ۳/۵ میلیون تومان اعتبار به این امر اختصاص داد.

فاجعه بزرگ است، اما بزرگی میراث خسارات جانی و مالی در درجه اول نهانی از شدت سیل بلکه بواسطه آسیب پذیری شدید سیه ها و امکانات زندگی مردم فقرزده ای در برابر بحسوات خشن طبیعی است. بلا ی سیل زمانی چنین ایما مصیبت باری بخود گرفته است که جنایتکاران جنگی حاکم بر کشور و زانده ده ها میلیون تومان صرف جنگ نیستی آفرین خود می کنند. روشن است که خمینی و وادار و دسته جنایتکارش که نوجوانان و جوانان را فوج فوج به موج مرگ می سپارند، غمبیل و سیل -

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

آدرس
P.O.
1091 WIEN
AUSTRIA
حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR. GERTRAUD ARTNER